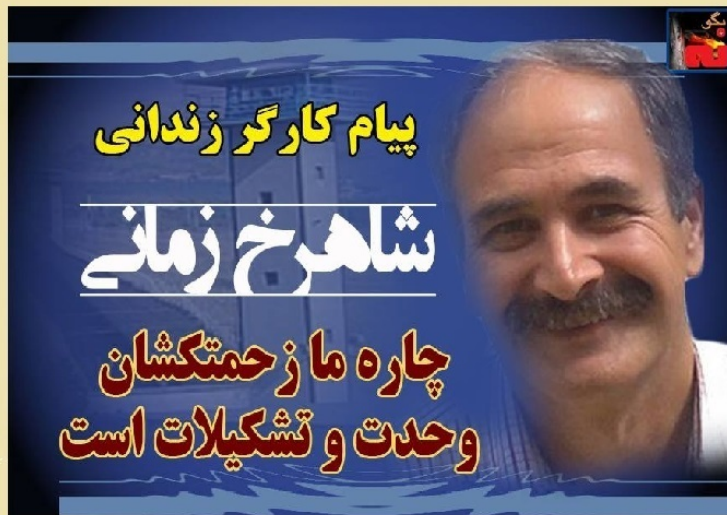


News-Update

مجله سیاسی خبری هنری

60 صفحه فقط برای شاهرخ زمانی



برای آنان که هنوز دچار توهم اند !!!
برای آنان که هنوز نمیخواهند قبول کنند
اصلاحات در حکومت اسلامی محال است !!!

گردآوری: مسعود فروزش راد

بدین وسیله برای خانواده عزیز زنده یاد کارگر مبارز " شاهرخ زمانی " و همه طرفداران راه آزادی طبقه کارگر بخاطر از دست دادن چنین عزیزی آرزوی بردباری میکنم و خواهان ادامه راه وی هستم .

مسعود فروزش راد

Arseny Avraamov : The March of the Worker's Funeral
<https://www.youtube.com/watch?v=CjauwKb42d4>

سرود انترناسیونال به زبانهای مختلف

<http://www.kvinnonet.org/International.html>

با درود به رفقا

با خبر شدیم که رفیق کارگر شاهرخ زمانی در زندان جمهوری اسلامی کشته شده . بدین وسیله از شما دعوت میشود که برای بررسی و همکاری لازم درمورد تصمیم گیری برای برگزاری تظاهرات یا هر گونه اعتراض به این عمل وحشیانه حکومت اسلامی بر علیه کارگران، در یک جلسه پالتاکی حضور بهم رسانیم.

تاریخ : 2015-09-16 --- ساعت 8 شب
مکان : پالتالک : اطاق: ایران پژوهش کارگری

برای راحتی کار در صورت امکان : ID. Asghar_510 اضافه کنید و تماس بگیرید تا به اطاق دعوت کنیم .

بخشی از فعالین کارگری

فیلم کوتاهی از مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی با فریادهای زنده باد شاهرخ

http://etehadbinalmelali.com/HTML_2015/24_Shahrivar_94_Zamani-7.html

تبریز: مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی - ویدئو

http://etehadbinalmelali.com/HTML_2015/24_Shahrivar_94_Zamani-9.html

گفتگو با خانم شمیلا زمانی خواهر زنده یاد شاهرخ زمانی

گفتگو با آقای محمد اشرفی در باره مرگ مشکوک زنده یاد شاهرخ زمانی

گفتگو با خانم یاسمین میظر در باره انتخاب جرمی کوربین به عنوان رهبر حزب لیبر بریتانیا

[120358414-https://soundcloud.com/user](https://soundcloud.com/user-120358414)



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران برگزار می‌کنند:

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

جمهوری اسلامی، قاتل شاه‌رخ زمانی است!

متحدا علیه این رژیم جنایتکار بپا خیزیم!

Paltalk

Otage: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

پنج شنبه 17 سپتامبر 2015

ساعت 21.00 بوقت اروپای مرکزی

پنج شنبه 26 شهریور 1394 ساعت 23.30 بوقت ایران

نهادهای همبستگی به برگزاری یک سلسله جلسات عمومی با فعالین کارگری و یا عضو تشکلهای و نهادهای کارگری، برای انتقال تجربه و بحث حول مسائل مهم سیاسی جنبش کارگری و ... برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری در دوره حاضر میپردازد.

nhkommittehamahangi@gmail.com

ضمیمه اخبار-1

- گزارشات کارگری 24 شهریور 1394 ویژه مرگ ناگهانی مرگ شاهرخ زمانی
- مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی و بازداشت چند تن بادخالتهای نیروهای امنیتی
- متن بیانیه تشکل های کارگری که در مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی قرائت شد
- فیلم کوتاهی از مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی با فریادهای زنده باد شاهرخ
- تبریز: مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی - ویدئو
- اطلاعیه سندیکاهای کارگری ایران
- روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک:مانا
- فعالین جنبش لغو کار مزدی:قتل شاهرخ زمانی در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی سرمایه
- شاهرخ زمانی: مرگ من در زندان به هر دلیل متوجه مسئولین می باشد
- **مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی و بازداشت چند تن بادخالتهای نیروهای امنیتی**
- **مراسم تشییع جنازه ی شاهرخ زمانی، فعال کارگری با دخالت ماموران امنیتی به بازداشت موقت چند تن از شرکت کنندگان انجامید.**
- به گزارش 24 شهریورنفس در قفس، این مراسم که صبح امروز در گورستان وادی رحمت تبریز برگزار شد، بیانیه ای از سوی 7 تشکل کارگری قرائت شده و سپس شرکت کنندگان به سر دادن شعار پرداختند.
- از جمله شعارهایی که در این مراسم سر داده شد می توان به «زنده باد شاهرخ زمانی»، «دروود بر شاهرخ زمانی»، «راه شاهرخ راه ماست، شاهرخ معلم ماست» اشاره کرد.
- بنابراین گزارش، در پایان این مراسم ماموران امنیتی با حمله به شرکت کنندگان اقدام به بازداشت چند تن از آنان کردند که پس از دخالت دیگر حاضرین مجبور به آزادی فوری آنان شدند.

گفتنی است، وزارت اطلاعات از عصر دیروز طی تماس‌های متعددی با فعالین سیاسی و کارگری در شهرهای مختلف به آنان نسبت به هرگونه حضور در مراسم تشییع جنازه‌ی شاه‌رخ زمانی هشدار داده بود.

متن بیانیه تشکل‌های کارگری که در مراسم خاک‌سپاری شاه‌رخ زمانی قرائت شد

«اگر از دست دادن شاه‌رخ عزیز درد جانکاه‌یست اما ما از این سوزوگداز این درد جانکاه زانوی غم در بغل نخواهیم گرفت و مرگ شاه‌رخ را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیش‌تازش بود تبدیل خواهیم کرد»

شاه‌رخ زمانی مبارز خستگی‌ناپذیر و جنبش کارگری ایران در کمال بهت و حیرت و ناباوری همگان در زندان گوهردشت چشم از جهان فرو بست. علت مرگ شاه‌رخ را مقامات رسمی هر چه اعلام کنند از نظر ما مسئولیت مستقیم آن تماماً بر عهده‌ی کسان‌یست که با تحمیل بارزترین شرایط بر ما کارگران حق تشکل‌یابی را و مبارزه برای یک زندگی را از ما سلب کرده و انسان‌های بزرگی همچون شاه‌رخ زمانی را به گوشه زندان‌ها افکنده‌اند. مرگ تکان‌دهنده‌ی شاه‌رخ بدون هیچ پیشینه‌ی بیماری نه اولین جانباختن یک زندانی و نه تحت شرایط موجود زندان‌های کشور آخرین آن خواهد بود. اگرچه مرگ ناگهانی شاه‌رخ از نظر هر انسان منصفی مشکوک به نظر می‌رسد اما بدون چنین تردیدهایی شرایط زندان‌های کشور به‌ویژه برای فعالین کارگری و زندانیان سیاسی به هزار و یک دلیل از پخش پارازیت گرفته تا فضای نامناسب عدم رسیدگی پزشکی و نبود بهداشت، شیوه نگه‌داری نامناسب و اعمال انواع فشارهای روحی و روانی به‌اندازه کافی مرگ‌آور است. شاه‌رخ زمانی هیچ جرمی جز دفاع از حقوق هم‌طبقه‌ای‌هایش مرتکب نشده بود. او نه صاحب‌منصب بود نه اختلاس کرده بود نه کوچک‌ترین لطمه‌ای به کسی زده بود؛ و نه شریک دزدان و غارتگران بود او یک کارگر نقاش از اعضای شورا نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری، عضو هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و عضو افتخاری سندیکای کارگران نقاش استان البرز و از بنیان‌گذاران معنوی این سندیکا بود که در خردادماه سال ۱۳۹۰ به دلیل مبارزاتش برای احقاق حقوق کارگران به زندان افکنده شد. اما زندان برای انسان بزرگ و جسوری همچون شاه‌رخ پایان مبارزه و حق‌طلبی نبود، او در طول نزدیک به پنج سال دوران زندان تا آخرین نفس‌هایش در یک از زندان‌های دونفری زندان گوهردشت لحظه‌ای مبارزه و حق‌طلبی بازنیستاد. نه دیوارهای زندان، نه دادگاه، نه سرکوب و اعمال فشار از سوی مأموران امنیتی و زندانبانان قادر به زدن مهر سکوت بر لب‌های شاه‌رخ نشدند؛ او بدون ذره‌ای بزرگ‌نمایی با جسارت و صلابت بی‌نظیرش مظهر مقاومت و مبارزه‌جویی طبقه کارگر ایران برای خلاصی از ستم و استثمار بود. مرگ شاه‌رخ برای یارانش، خانواده‌اش و برای جنبش کارگری ایران ضایعه‌ای سنگین و جبران‌ناپذیر است، ما این ضایعه بزرگ را به خانواده و هم‌بندان، یاران شاه‌رخ و عموم کارگران در سراسر کشور صمیمانه تسلیت می‌گوییم و بدین‌وسیله اعلام می‌داریم که اگر از دست دادن شاه‌رخ عزیز درد جانکاه‌یست اما ما از این سوزوگداز این درد جانکاه زانوی غم در بغل نخواهیم گرفت و مرگ شاه‌رخ را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیش‌تازش بود تبدیل خواهیم کرد.

زنده‌باد اتحاد و همبستگی کارگری

درود بر شاه‌رخ زمانی

پایان بیانیه

(بلافاصله بعد از اتمام قرائت بیانیه حضار چند بار فریاد می‌زنند: زنده‌باد)

و سپس خواننده بیانیه چنین ادامه می‌دهد:

اسامی تشکلات کارگری امضاکننده بیانیه به ترتیب حروف الفبا:

۱- اتحادیه آزاد کارگران ایران

۲- سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه

۳- سندیکای کارگران نقاش استان البرز

۴- کانون مدافعان حقوق کارگر

۵- کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری

۶- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلات کارگری

۷- هیئت بازگشایی سندیکای نقاش تهران

پس از پایان قرائت بیانیه حاضرین با گره کردن مشت‌های خود و بالا بردن دستشان چندین بار شعار "زنده‌باد شاهرخ زمانی" و "درو بر شاهرخ زمانی" را سر دادند.

۲۴ شهریور ۱۳۹۴ برابر با ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵

فیلم کوتاهی از مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی با فریادهای زنده باد شاهرخ

http://etehadbinalmelali.com/HTML_2015/24_Shahrivar_94_Zamani-7.html

تبریز: مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی - ویدئو

http://etehadbinalmelali.com/HTML_2015/24_Shahrivar_94_Zamani-9.html

اطلاعیه سندیکاهای کارگری ایران

گفته بودم زندگی زیباست

آمدن ، رفتن ، دویدن ، عشق ورزیدن

در غم انسان نشستن،

پا به پای شادمانی‌های مردم پای کوبیدن....

شاهرخ زمانی کارگر نقاش و مبارزه راه بهروزی و آزادی طبقه کارگر ، بنیان گذار سندیکای

کارگران نقاش استان تهران و البرز و همکار صدیق سندیکاهای کارگری در زندان رجایی شهر

درگذشت. ضایعه از دست دادن این رفیق گرامی ، بس گران است، اما زندگی ادامه دارد و ما پرتوان

تر آرمان‌های او را که جز بهروزی و اتحاد طبقه کارگر اندیشه‌ای نداشت ، را پیش خواهیم برد.

فردا بر مزارش در وادی رحمت تبریز گرد خواهیم آمد و یاد و آرمان هایش را گرامی خواهیم داشت.

سندیکای کارگران نقاش استان البرز

هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

۲۳/۶/۱۳۹۴

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک:مانا

مرگ نقطه پایان زندگی شاهرخ زمانی نیست. پیامش همچون خودش زنده و مانا – متحد شویم و شب

را به صبح برسانیم.

سالها بگذشت.

سالها و باز در تمام پهنه البرز

وین سراسر قله مغموم و خاموشی که می بینید

وندرون دره های برف آلودی که می دانید

ر هگذرهایی که شب در را می مانند

نام آرش را پیایی در دل کهسار می خوانند

و نیاز خویش می خواهند

با دهان سنگ های کوه آرش می دهد پاسخ

می گند شان از فراز و از نشیب جاده ها آگاه

می دهد امید ، می نماید راه.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۳۹۴/۶/۲۲

فعالین جنبش لغو کار مزدی:قتل شاهرخ زمانی در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی سرمایه

شاهرخ زمانی کارگر مبارز نفاش و فعال جنبش سندیکائی در سیاهچال های مرگزای دولت اسلامی بورژوازی جان داد. گفتگو در باره اینکه شاهرخ سخته مغزی کرده است، سخته وی قلبی بوده است، مسموم شده است یا به هر شکل دیگری جان باخته است، صرفاً کفن و دفن یک جنایت موحش جمهوری اسلامی در گورستان لفظ بازی های رسانه ای، اداری و «حقوقی» سرمایه است. او در سیاهچال دولت درنده بورژوازی، در شکنجه سرای نظام بشرستیز و کارگر کش سرمایه داری و در زنجیر اسارت نظام بردگی مزدی جانش را از دست داده است. همه اینها بسیار صریح و شفاف متضمن این معنایند که «زمانی» توسط سرمایه و با دست قوای قهر و سرکوب دولت بورژوازی به قتل رسیده است. شاهرخ زمانی به جرم اعتراض علیه تشدید بی مهار استثمار همزنجیران خویش زندانی شد. او خواستار متشکل شدن کارگران در سندیکاها بود، علیه فقر و گرسنگی و ستمکشی و بی مسکنی و بی دارویی و آوارگی توده های کارگر مبارزه می کرد، بر بهبود شرائط کار و زندگی همزنجیرانش اصرار می ورزید. او به خاطر اعتراض علیه جنایات سرمایه و مبارزه برای تحقق مطالبات اولیه کارگران به زندان افتاد. دولت درنده اسلامی بورژوازی وی را زندانی کرد تا حق زنده بودن توأم با اعتراض و مبارزه علیه سببیت های سرمایه را از وی سلب نماید، خیلی ها سخن از محکوم کردن این جنایت می گویند، با صدور این احکام نمی توان سرمایه را از تداوم کشتارها و هولوکاست ها باز داشت. باید بر طبل مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری و برای محو بردگی مزدی کوبید. باید با عزم استوار دست به کار برپائی شوراهای سرمایه ستیز توده های وسیع طبقه کارگر شد، باید جنبش شورائی سراسری ضد کار مزدی توده های کارگر را نیرو داد. قتل شاهرخ بسان قتل هر کارگر مبارز دیگر باید زمینه ای برای پیکار مصمم تر و آگاه تر و استوارتر ما در راستای ایفای این نقش اساسی و حیاتی باشد.

فعالین جنبش لغو کار مزدی - سپتامبر ۲۰۱۵

شاهرخ زمانی: مرگ من در زندان به هر دلیل متوجه مسئولین می باشد

شاهرخ زمانی ، فعال کارگری شناخته شده ، امروز یکشنبه 22 شهریور 1394 در زندان گوهردشت کرج بطور مشکوکی جان باخت. این کارگر مبارز در یکی از بیانیه هایش هشدار داده بود که تهدید به مرگ شده است و نوشته بود : " مرگ من در زندان به هر دلیل متوجه مسئولین می باشد.

گوش

کنید: http://etehadbinalmelali.com/HTML_2015/24_Shahrivar_94_Zamani-4.html

بیست و چهارم شهریورماه 1394

akhbarkargari2468@gmail.com

ضمیمه اخبار-2

وگزارشات کارگری 23 شهریور 1394 (ویژه مرگ ناگهانی شاهرخ زمانی)

- زمان و مکان مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی

- تحویل جنازه ی شاهرخ زمانی به خانواده اش

مراسم خاک سپاری فردا در تبریز برگزار می شود

- خانواده شاهرخ زمانی: شکایت می کنیم کالبدشکافی کنید

- مرگ شاهرخ زمانی؛ روایتی از درون زندان رجایی شهر

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

مسئولان مرگ مدافع حقوق کارگری، زنده یاد شاهرخ زمانی را محکوم می کنیم

- تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری:

ما مرگ شاهرخ زمانی را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او بیشتازش بود تبدیل خواهیم کرد

- اتحادیه آزاد کارگران ایران:

شاهرخ زمانی، یکی از جسورترین فعالین طبقه کارگر ایران را از دست دادیم

- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری:

مرگ جان گداز شاهرخ زمانی در زندان!

- کانون مدافعان حقوق کارگر:

در سوگ شاهرخ زمان

- پیام تسلیت انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) بمناسبت درگذشت شاهرخ زمانی

- پیام تسلیت کانون صنفی معلمان ایران بمناسبت درگذشت شاهرخ زمانی، فعال کارگری

- هیات تحریریه حقوق معلم و کارگر:

شاهرخ زمانی، فعال کارگری، در زندان رجایی شهر درگذشت...

- خانواده محمود صالحی:

دولت مسئول مرگ شاهرخ زمانی است.

- جعفر عظیم زاده:

قادر به انتخاب هیچ تیتیری برای از دست دادن این انسان جسور و مصمم نیستم

- اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران:

مرگ ناباورانه شاهرخ زمانی، مبارز جسور طبقه کارگر

دادخواهی از شاهرخ وظیفه همه ماست!

- نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور:

جمهوری اسلامی، قاتل شاهرخ زمانی

- بیانیه 130 کمیته حمایت از شاهرخ زمانی:

شاهرخ جرمش استقامت بی پایانی بود، که در مقابل ظلم و ستم و بهره کشی طبقاتی داشت و اسرار

جنایت کاران جمهوری اسلامی را با دید طبقاتی افشا می کرد.

- جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران:

فعال سندیکایی شاهرخ زمانی «در زندان درگذشت»

- در مورد مرگ شاهرخ زمانی باید تحقیق پزشکی مستقل صورت گیرد

مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی

زمان: 24 شهریور، ساعت 8 الی 10 صبح

مکان: وادی رحمت شهر تبریز

تحويل جنازه ی شاهرخ زمانی به خانواده اش

مراسم خاک سپاری فردا در تبریز برگزار می شود

جسد شاهرخ زمانی، فعال کارگری که دیروز در زندان رجایی شهر کرج فوت کرده بود، به

خانواده اش تحويل داده شد. مسولان ابتدا از تحويل جنازه خودداری کرده و عنوان می کردند که

حراست بایستی تایید کند، اما نهایتا در ساعات میانی امروز جنازه تحويل خانواده داده شد و وی فردا

در تبریز به خاک سپرده خواهد شد.

به گزارش 23 شهریورنفس در قفس، جسد شاهرخ زمانی که عصر دیروز به گورستان بی بی سکینه ی

کرج منتقل شده بود، ظهر امروز به خانواده اش تحويل داده شده است.

یک نفر از اطرافیان وی، ضمن تایید این مطلب گفت: «خانواده ی شاهرخ زمانی از صبح امروز در

گورستان بی بی سکینه بودند. مسولان ابتدا از تحويل جنازه خودداری کرده و عنوان می کردند که

حراست بایستی تایید کند، اما نهایتاً در ساعات میانی امروز جنازه تحویل خانواده داده شد و وی فردا در تبریز به خاک سپرده خواهد شد».

گفتنی است، هم‌بندان شاه‌رخ زمانی پیکر بی‌جان وی را ساعت ۱۷ دپروز در اتاق‌اش در سالن ۱۲ بند ۴ زندان رجایی‌شهر کرج در حالی یافتند که قطرات خون بر دهان وی و آثار کبودی در سر وی مشهود بوده است.

بهداری زندان رجایی‌شهر کرج علت فوت را سکته‌ی مغزی تشخیص داده است.

خانواده شاه‌رخ زمانی: شکایت می‌کنیم کالبدشکافی کنید

پیکر شاه‌رخ زمانی، زندانی سیاسی زندان رجایی شهر به سردخانه بی بی سکینه کرج منتقل شده است، خانواده او با تایید خبر درگذشت این فعال کارگری در زندان خواستار روشن شدن علت مرگ و توضیح مسولان در این زمینه هستند و نینا زمانی، دختر شاه‌رخ زمانی می‌گوید که پدرش از نظر جسمی هیچ مشکلی نداشته و خانواده او خواستار کالبدشکافی و مشخص شدن علت مرگ هستند.

او می‌گوید که پدرش ۴ سال محروم از مرخصی و در ۳ سال گذشته از ملاقات حضوری محروم بوده و حالا درحالی خبر مرگ او از سوی مسولان زندان تایید شده که هیچ بیماری جسمی یا مشکل جسمی که منجر به مرگ شود نداشته.

مسولان زندان رجایی شهر و دستگاه قضایی به صورت رسمی توضیحی درباره مرگ شاه‌رخ زمانی نداده اند اما نینا زمانی می‌گوید که در مراجعه به زندان رجایی شهر به آنها گفته شده که پدرش سکته مغزی کرده است.

شاه‌رخ زمانی، نقاش ساختمان و فعال کارگری که از سال ۹۰ به اتهام تلاش برای تشکیل تشکل های کارگری از جمله سندیکای کارگران نقاش زندانی و به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. نینا زمانی می‌گوید: امروز بعد از ظهر یک تماس مبنی بر این خبر داشتیم مراجعه کردیم زندان رجایی شهر که آنجا زندانی بود، گفتند واقعیت دارد و منتقل شده به سردخانه بی بی سکینه که در کرج است. رفتیم انجا تایید کردند که تحویل گرفته اند. قرار شد ما فردا صبح پی گیر شکایت باشیم و کارهای کالبدشکافی که علت دقیق مرگ مشخص شود.

دختر شاه‌رخ زمانی توضیح می‌دهد: پدر من هیچ مشکلی جسمی نداشت و کاملاً سالم بود. برای همین اصلاً باورمان نشده و نمی‌شود و شوکه هستیم. فردا حتماً شکایت می‌کنم و فرم کالبدشکافی را در پزشکی قانونی پر می‌کنم باید مشخص شود. سم‌شناسی و هرچیز دیگری.

برخی وب سایت ها از سکته مغزی این فعال کارگری در زندان خبر داده اند و برخی نوشته اند که او بعد از اعتصاب غذاهای طولانی مشکل جسمی داشته و تحت درمان قرار نگرفته. دخترش می‌گوید: بله چند بار اعتصاب غذا کرده بود و به همین دلیل خیلی ضعیف شده بود اما مشکل اینطوری نداشت. اینها کذب محض است پدر من کاملاً سالم بود. موقعی که به زندان رسیدیم ساعت یک ربع به ۹ شب بود و آن ساعت بخش اداری اش تعطیل است و جوابی به ما ندادند فقط گفتند منتقل شده بی بی سکینه و ما هم رفتیم آنجا.

آنجا هم چون تحویل گرفته بودند فقط تایید کردند و گفتند فردا ساعت ۷ و نیم صبح اینجا باشید. ما هنوز ندیده ایم پیکر پدرم را و من نمی‌توانم الان هیچ نظری بدهم، هنوز نمی‌دانم واقعا چه اتفاقی افتاده علت های مختلفی ممکن است وجود داشته باشد به ما گفته اند سکته کرده و ما هنوز نمی‌دانیم. همین طوری هم چیزی را نمی‌پذیریم. تا انتها پی گیری می‌کنم و تا علت دقیق را نفهمم از پا نمی‌نشیم تا انتها پی گیری می‌کنم که علت دقیق را بفهمم.

نینا زمانی سپس با اشاره به محرومیت پدرش از مرخصی و ملاقات حضوری در طی سالهای اخیر می‌گوید: اصلاً به پدر من یک بار هم مرخصی ندادند. بهمن ماه مادر بزرگ من فوت شد باز هم ندادند. مادر بزرگ من از غصه پدرم مریض شد، سرطان گرفت و فوت کرد. برای مرخصی هم حتی من پی گیری کردم. اجازه ندادند. حتی ما ملاقات حضوری هم با پدرم نداشتیم. از موقعی که پدرم را بردند رجایی شهر این ۳ سال ما نه ملاقات حضوری داشتیم نه مرخصی دادند. قبلاً زندان تبریز که بود حداقل ملاقات حضوری داشتیم اما این سه سال هیچی.

سوال می کنم که مشکل شان با پدر شما چی بود که این همه سال محروم از مرخصی و ملاقات حضوری بود و چنین برخوردهایی با او می کردند. نینا زمانی می گوید: اینجا فقط پدر من نیست با خیلی از زندانیان سیاسی چنین رفتارهایی می کنند علت اش هم این است که آدم های بزرگی مثل پدر من در مقابل ظلمی که به آنها می شد سکوت نمی کردند دائما بیانیه صادر می کردند و با رسانه ها مصاحبه می کردند. در یک کلام اینکه شرایطی که به آنها اعمال می شد را نمی پذیرفتند. تمام کسانی که اینطور هستند و الان هم هستند با آنها همین برخورد می شود. انتظار دارند که مردم سرشان را بیندازند پایین و هر بلایی می خواهند سرشان در بیاورند.

دختر شاهرخ زمانی می افزاید: واقعا پدر من در اوج مظلومیت رفت. خیلی به او ظلم شد در این ۴ سالی که زندان بود. حتی نتوانست با مادر خودش خداحافظی کند. حتی من در این مدت ازدواج کردم برای عروسی من نتوانست بیاید برای عقد من نتوانست حضور داشته باشد و ارزوی همه چیز را بر دلش گذاشتند اما باید بپذیرند و این آرزو بر دلشان بماند که امثال پدر من سکوت نکنند. آنها می میرند هم روح شان زنده است و راهشان ادامه دارد.

شاهرخ زمانی از چهاردهم خرداد ماه زندانی بود و بیش از ۳۶ روز را در سلول های انفرادی سپری کرد. او سال ۹۱ ابتدا به زندان یزد و سپس به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. او مدتی نیز در زندان قزلحصار کرج زندانی بوده است.

شاهرخ زمانی سال ۹۳ در نامه ای به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل و ناوی پیلای، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده بود من ضمن این که مسولیت هرگونه عواقب و لطمات روحی، جسمی و جانی اعتصاب غذا را متوجه مسولین می دانم از آن جنابان می خواهم با فرستادن کمیته ی حقیقت یاب به این قتل گاه و فشارهای جهانی بر حکومت جمهوری اسلامی آن را وادار کنند، حداقل به قوانین مصوب خود در رعایت حقوق شهروندی و صنفی زندانیان مخصوصا تفکیک جرایم پایبند بوده و مرا به بند سیاسی بازگردانند.

او پیشتر و در خرداد ۹۱ هم در نامه ای به احمد شهید درباره وضعیت و پرونده خود نوشته بود: جناب احمد شهید من شاهرخ زمانی فعال سندیکایی بدون کوچکترین تقصیر و گناه در خرداد ۱۳۹۰ توسط اداره اطلاعات تبریز دستگیر شدم، ۳۶ روز در انفرادی بازداشت بودم پس از ۳۳ روز اعتصاب غذا در اعتراض به دستگیری و نگهداری غیر قانونی مرا تحویل زندان مرکزی تبریز دادند. همچنین پس از چهار ماه شکنجه، اذیت و آزار در اداره اطلاعات و زندان مرکزی تبریز در دادگاه انقلاب شعبه ۱ به ریاست قاضی حمل بر بدون داشتن کوچکترین مدرکی علیه من و بدون اعتراف به اتهامات دروغین وارد شده، دقیقا بنا به دستور کتبی اداره اطلاعات مرا به ۱۱ سال زندان محکوم کردند. در مقابل اعتراض و ارایه لایحه دفاعی از طرف وکیل مدافع اینجانب به دادگاه که این دادگاه با استناد به کدام مدارک موجود در پرونده و یا با استناد به کدام اعتراف و کدام ماده مشخص قانونی مطابق با مدارک (در صورت وجود) ۱۱ سال زندان برای موکل من شاهرخ زمانی که هیچ گناهی مرتکب نشده است، صادر کردید؟ قاضی حمل بر چند لحظه ای سکوت کرد با سرخ و سفید شدن گفت من کاره ای نیستم، اداره اطلاعات این طور خواسته است.

او توضیح داده بود: پس از صدور، تایید و اجرای حکم غیر قانونی و فرمایشی باز هم اداره اطلاعات دست از سر من بر نداشته، این بار با استفاده از سازمان زندانها که آن را نیز زیر سلطه دارد (این گونه مسلط بودن پلیس بر تمامی نهاد ها و ادارات مصداق انکار ناپذیر پلیسی بودن یک نظام است بنا براین تمامی زندانیان احتیاج میرم به کمک شما دارند.) مرا به مدت دو ماه در بند قرنطینه که از بدترین، کثیف ترین و محدود ترین بند زندان است نگهداشتند. باز به اجبار دست به اعتصاب غذا زدم، پس از ۱۵ روز اعتصاب غذا مرا به بند مالی منتقل کردند. در آنجا نیز دست بر دار نبودند و با استفاده از عوامل خود باعث بی نهایت اذیت و آزار می شدند. وقتی متوجه شدند که من توانستم با برخورد انسانی و برقراری دوستی با دیگر زندانیان تو طئه های آنها را در مورد ایجاد درگیری خنثی کنم مرا به بند ۱۵ متادون تبعید کردند. بیشترین زندانیان این بند معتاد های با دوزبالا هستند که تعدادی از آنها غیر از بیماریهای مربوط مستقیم به اعتیاد، به ایدز، هپاتیت و قانقار نیز

مبتلا می باشند. من برای قاضی حمل بر نامه ارسال کردن و از قاضی مستقر در زندان خواستم از این عمل غیر قانونی جلوگیری کند و از رئیس زندان که استادی بود در خواست رسیدگی کردم، او گفت این دستور از طرف قو قضاییه و سازمان زندانها نیست بلکه دستور اداره اطلاعات است، من گفتم پرونده متهم پس از صدور حکم طبق قانون باید از دست پلیس خارج شود رئیس زندان گفت زندانیان سیاسی دائما" تحت مسئولیت وزارت اطلاعات هستند. در ایران هیچ قانونی اجرا نمی شود و زندانیان سیاسی هیچ گونه حق و حقوقی حتی حقوق زندانیان عادی را نیز ندارند. مسئولین نظام حکومت ایران همیشه اعلام می کنند ما زندانی سیاسی نداریم تا در خلاء قانونی در رابطه با موضوع سیاسی ما را از هرگونه حقی محروم کنند. اما در داخل زندان برای ایجاد محرومیت بیشتر، بدون قید کردن در پرونده ها ما را سیاسی می گویند تا از هر گونه حقوق زندانی عادی از جمله مرخصی، عفو های عمومی بدون شروط خاص، کار در زندان یا بیرون، بند مجزا برای سیاسی ها و... نیز محروم شویم، همه این اعمال غیر قانونی و ضد انسانی با سیاست یک بام دو هوا توسط تمامی مسئولین رده با لا صورت می گیرد.

او با طرح این سوال که نگهداری زندانیان سیاسی در میان افراد مبتلا به ایدز، هیپاتیت، قانقارایا و دیگر بیماریهای مسری یا همراه افراد دارای حکم سنگین ابد و اعدام، جز شکنجه و کشتن چه معنایی دارد؟ خطاب به احمد شهید نوشته بود: آقای رئیس تنها امید ما زندانیان سیاسی به مردم، شما، نهاد های حقوق بشر، سازمانهای سیاسی و مردمی و تشکل های کارگری است. لطفا" هر کاری از دست شما برای نجات زندانیان بر می آید انجام بدهید.

منبع: روزآنلاین

مرگ شاهرخ زمانی؛ روایتی از درون زندان رجایی شهر

هم اتاقی شاهرخ زمانی پتو را از سر او کنار می زند و این فعال کارگری را با لب هایی تیره و بدنی کاملاً سرد پیدا می کند.

«شاهرخ زمانی»، کارگر نقاش زندانی که به اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «توهین به رهبری» و «تشکیل گروه به قصد بر هم زدن امنیت ملی» مدت پنج سال از 11 سال دوران محکومیتش را در زندان «رجایی شهر» کرج گذرانده بود، شب گذشته در همین زندان درگذشت. این فعال کارگری در طول پنج سال گذشته برای عروسی دخترش و همچنین عزاداری و تشییع پیکر مادرش اجازه مرخصی نیافته بود.

او روز چهاردهم خردادماه سال 1390 در تبریز بازداشت شد و پرونده اش را برای رسیدگی، به شعبه یکم دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی «حملبر» فرستادند. وی در دادگاه بدوی به 11 سال حبس محکوم شد که این حکم عیناً در دادگاه تجدید نظر نیز مورد تایید قرار گرفت.

این عضو هیات مدیره «کمیته پی گیری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری» و عضو «هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمانی و نقاشان» بارها با دستبند و پابند از زندان های مختلف تبریز، قزل حصار و زندان رجایی شهر جا به جا شد و چندین بار در اعتراض به نقل و انتقال غیر قانونی خود دست به اعتصاب غذا و اعتراض زد.

روایت زیر شرح یکی از همبندی های شاهرخ زمانی از ماجرای مرگ او در زندان رجایی شهر کرج است:

ساعت پنج عصر یک شنبه بیست و دوم شهریور ماه سال 1394 هم اتاقی سالمند شاهرخ زمانی، فعال کارگری، در بند سیاسی-امنیتی زندان رجایی شهر کرج که از خواب بی هنگام هم اتاقی خود تعجب کرده بود، او را تکان داد تا بلند شده و مثل همیشه به ورزش مشغول شود. شاهرخ زمانی عادت به خوابیدن در آن ساعت روز نداشت و همیشه اولین نفری بود که راس ساعت سه بعد از ظهر و زمان باز شدن درب هواخوری به حیاط می رفت تا ورزش خود را شروع کند. به همین دلیل هم امروز وقتی غیبت داشت، توجه سایر هم بندی ها به این مساله جلب شد و همه زندانی ها از ندیدنش در حیاط زندان متعجب شدند.

هم اتاقی شاهرخ زمانی پتو را از سر او کنار می زند و این فعال کارگری را با لب هایی تیره و بدنی کاملاً سرد پیدا می کند. سریعاً جوانان بند کمک می کنند و او را از طبقه سوم تخت به پایین می آورند و به سرعت بدون رعایت نوبت و هماهنگی های معمول، به بهداری منتقل می کنند.

شاهرخ زمانی از اعضای سابق هیات بازگشایی سندیکای کارگران نفاش بود. وی دیشب تا نیمه شب در حال آماده کردن مطالب خود و نوشتن تحلیل هایش از حوادث روز بود. او غالباً نقطه نظراتش را یادداشت و اخبار روز و تحلیل هایش را دسته بندی می کرد. او صبح همان روز با برخی از هم بندی هایش حرف زده و سر حال و بی مشکل بود.

شاهرخ زمانی به طور مداوم ورزش می کرد، سیگار نمی کشید، سرحال بود و با دیگران شوخی می کرد و اصلاً اثری از بیماری و رنجوری نداشت. شاید به همین دلیل، آخرین نفری که احتمال مرگش در آن بند می رفت، او بود. وقتی خبر در محوطه بند زندانیان سیاسی پیچید، زندانی ها در بهت و حیرت فرو رفتند و ساعت ها در مقابل در اتاقش تجمع کردند.

مسوولان بند و بزرگ ترها به بهداری رفتند تا وضعیت شاهرخ را پی گیری کنند اما یکی از دکترهای بند به آن ها گفته بود که دیگر منتظر برگشت شاهرخ زمانی نباشند و این تأسف عمیق زندانی ها را در بر داشت.

به هر حال، در آن محیط بسته و محصور، ما زندانی ها به سرعت به هم دل بسته می شویم، با عادت های هم خو می گیریم و رنج و شادی هم دیگر را با رگ و پی خود درک می کنیم.

در آن ساعت روز، زندانی ها ورزش معمول را تعطیل کردند؛ غم عجیبی فضای زندان را فرا گرفته است و هر کسی سعی می کند با ورود هر مسوولی به بند یا به اتاق زمانی، او را مخاطب قرار داده و نسبت به وضعیت پیش آمده پرس و جو کند. برخی دیگر که کمی صریح تر و شجاع ترند، خواستار مسوولیت پذیری آن ها و بررسی دقیق علت فوت شاهرخ زمانی هستند.

اما همه زندانی ها می دانند این درخواست ها راه به جایی نخواهد برد و سال ها است که در زندان رجایی شهر در قبال مرگ مشکوک و غیر مشکوک زندانی، تنها یک روال وجود دارد؛ بهداری با صدور یک برگه برای علت فوت، کلمه «سکته» را می نویسد و هر چه سریع تر جسد فرد متوفی را به سردخانه می سپارند. غالباً کالبد شکافی نیز برای پی بردن به علت مرگ در مورد زندانیان انجام نمی شود.

جالب است که بهداری زندان رجایی شهر حتی سردخانه ندارد و به همین دلیل هم بر اساس گفته جانشین رییس زندان که مسوول شیفت شب در زندان است، جسد این زندانی سیاسی در همین شب به سردخانه بهشت زهرا منتقل شده است.

ساعتی بعد از پیچیدن خبر مرگ شاهرخ زمانی در زندان، مسوول اداره آگاهی و جانشین رییس زندان که امروز در غیاب او مدیریت زندان را بر عهده داشته، وارد بند سیاسی ها شدند، تخت و اتاق شاهرخ را مورد رسیدگی قرار دادند و برای تکمیل گزارش فوت و پرونده این کارگر زندانی، از شواهد موجود عکس گرفتند و رفتند.

در زمان حضور این افراد در اتاق شاهرخ زمانی، زندانیان سیاسی این بند نسبت به بسته بودن کامل پنجره ها توسط حصار فلزی مخصوصی که فقط برای پوشاندن پنجره های این بند مورد استفاده قرار گرفته است، اعتراض کردند و کمبود هوا و عدم گردش اکسیژن کافی را از دلایل بیماری مداوم ساکنان این بند و حتی فوت نابه هنگام زندانیان عقیدتی عنوان کردند. هنگام ورود به این بند به راحتی می شود سنگین بودن هوا و عدم گردش آن را حس کرد.

این زندانی ها همچنین نسبت به دستگاه های پارازیت اندازی که روی پشت بام بند سیاسی نصب شده است، برای چندمین بار اعتراض کرده و وجود این پارازیت ها را از عوامل ایجاد و تشدید سرطان، سرگیجه و برخی بیماری های دیگر برشمردند.

مرگ این زندانی در حالی روی داده است که دو زندانی دیگر همین بند به نام های «سعید رضوی فقیه» و «رمضان احمد کمال» از صبح ۲۱ شهریور ماه در اعتراض به عدم دسترسی به درمان و برخورد نامناسب مسوولان و پزشکان بهداری، دست به اعتصاب غذای خشک زده اند.

گفتنی است که مجوز اعزام به بیمارستان برای زندانیان سیاسی و امنیتی تنها توسط شخص دادستان صادر می شود و نظر پزشکان متخصص ملاک عمل نیست.
منبع: ایران وایر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:

مسئولان مرگ مدافع حقوق کارگری، زنده یاد شاهرخ زمانی را محکوم می کنیم
زنده یاد شاهرخ زمانی کارگر زحمتکش نقاش ساختمانی بیشتر عمر خود را در راه اندیشه و تلاش برای آرمان های عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان و محرومان فدا نمود و در این راه تا آنجا پیش رفت که در این مسیر به حکم سنگین یازده سال زندان محکوم شد و بیش از پنج سال محکومیت خود را در زندان های مختلف که آخرین آن زندان جان فرسای رجایی شهر بود گذراند.
آن زحمتکش شریف اخلاق و رفتار در زندان پیوسته مورد تایید هم بندانش بود و او همیشه برای کمک به دیگر زندانیان آماده فداکاری و گذشت بود او تا لحظه آخر عمر خویش مدافع آرمان های مردمی و عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و زحمت کشان به ویژه حقوق سندیکای کارگران بود و علی رغم آزار و اذیت های پیدا و پنهان که علیه او می شد به راه مردمی خود ادامه می داد.
شرایط عمومی اسفناک و بسیار نامناسب زندان های ایران آنچنان تلخ و تحمل ناپذیر است که حتی مسئولان امور خود نیز معترف به آن بوده و آنرا تکرار می کنند. این شرایط سخت و دشوار به ویژه در زمینه امور بهداشتی پزشکی در رویداد تلخ مرگ آن زنده یاد بسیار موثر بوده است. مسلماً اگر او زندانی نبود بسیاری از گرفتارهای خانوادگی ناگوار و مرگ زود هنگام بر او روی نمی داد. خون بهای مرگ باور نکردنی زنده یاد شاهرخ زمانی این کارگر ستم دیده به عهده کسانی است که عهده دار امور حقوق زندانیان هستند.

شاهرخ زمانی از آغاز دوره جدید کوشش جنبش سندیکای کارگری ایران که از اوایل دهه هشتاد گسترش یافت در راه ایجاد و اتحاد و یکپارچگی نیروهای مدافع حقوق کارگری و برقراری سندیکای کارگران نقاش ساختمانی فعالیت نموده و همچنین از دوستداران سندیکای کارگران شرکت واحد بود.
سندیکای کارگران شرکت واحد به حکم وظیفه همبستگی کارگری و دفاع از حق و عدالت و آزادی همراه با محکوم کردن مقصران مرگ غم بار این انسان کارگر شریف به خانواده دغدار ایشان و همکاران و عموم کارگران فداکار راه حق و عدالت اجتماعی و آزادی تسلیم گفته و خواستار مجازات مقصران و رعایت حقوق خانواده و بازماندگان آن زنده یاد می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۳ شهریور ۱۳۹۴

تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری:

ما مرگ شاهرخ زمانی را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیشنهادش بود تبدیل خواهیم کرد

شاهرخ زمانی، مبارز خستگی ناپذیر و جسور جنبش کارگری ایران در کمال بهت و حیرت و ناباوری همگان در زندان گوهر دشت چشم از جهان فرو بست.

علت مرگ شاهرخ را مقامات رسمی هر چه اعلام کنند از نظر ما مسئولیت مستقیم آن تماماً بر عهده کسانی است که با تحمیل برده و ارتترین شرایط بر ما کارگران، حق تشکل یابی و مبارزه برای یک زندگی بهتر را نیز از ما سلب کرده و انسانهای شریف و بزرگی همچون شاهرخ زمانی را به گوشه زندانها افکنده اند.

مرگ تکانهنده شاهرخ در کنج زندان بدون هیچ پیشینه بیماری، نه اولین جان باختن یک زندانی و نه تحت شرایط موجود زندانهای کشور، آخرین آن خواهد بود. اگر چه مرگ ناگهانی شاهرخ از نظر هر انسان منصفی مشکوک به نظر می رسد اما بدون چنین تردیدهایی نیز، شرایط زندانهای کشور بویژه برای فعالین کارگری و زندانیان سیاسی به هزار و یک دلیل از پخش پارازیت گرفته تا غذای نامناسب، عدم رسیدگی پزشکی و نبود بهداشت، شیوه نگهداری نامناسب و اعمال انواع فشارهای روحی و روانی به اندازه کافی مرگ آور است.

شاهرخ زمانی هیچ جرمی جز دفاع از حقوق هم طبقه ای هایش مرتکب نشده بود. او نه صاحب منصب بود، نه اختلاس کرده بود، نه کوچکترین لطمه ای به کسی زده بود و نه شریک دزدان و غارتگران بود. او یک کارگر نقاش، از اعضای شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، عضو هیات بازگشائی سندیکای کارگران نقاش و عضو افتخاری سندیکای کارگران نقاش استان البرز و از بنیان گذاران معنوی این سندیکا بود که در خرداد ماه سال 1390 بدلیل مبارزاتش برای احقاق حقوق کارگران به زندان افکنده شد. اما زندان برای انسان جسور و بزرگی همچون شاهرخ، پایان مبارزه و حق طلبی نبود. او در طول نزدیک به 5 سال دوران زندان، تا آخرین نفس هایش در یکی از سلولهای دو نفره زندان گوهردشت، لحظه ای از مبارزه و حق طلبی باز نایستاد. نه دیوارهای زندان، نه دادگاه، نه سرکوب و نه اعمال فشار از سوی مامورین امنیتی و زندانبانان قادر به زدن مهر سکوت بر لبهای شاهرخ نشدند. او بدون ذره ای بزرگنمایی، با جسارت و صلابت بی نظیرش مظهر مقاومت و مبارزه جوئی طبقه کارگر ایران برای خلاصی از ستم و استعمار بود.

مرگ شاهرخ برای یارانش، خانواده اش و برای جنبش کارگری ایران ضایعه ای سنگین و جبران ناپذیر است. ما این ضایعه بزرگ را به خانواده، هم بندان، یاران شاهرخ و عموم کارگران در سراسر کشور صمیمانه تسلیت میگوئیم و بدینوسیله اعلام میداریم اگرچه از دست دادن شاهرخ عزیز درد جانکاهی است اما ما در سوز و گداز این درد جانکاه، زانوی غم در بغل نخواهیم گرفت و مرگ شاهرخ را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیشتازش بود تبدیل خواهیم کرد.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری – درود بر شاهرخ زمانی

اسامی تشکلهای امضا کننده به ترتیب حروف الفبا

1- اتحادیه آزاد کارگران ایران

2- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

3- سندیکای کارگران نقاش استان البرز

4- کانون مدافعان حقوق کارگر

5- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

6- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

7- هیات بازگشائی سندیکای کارگران نقاش تهران

اتحادیه آزاد کارگران ایران:

شاهرخ زمانی، یکی از جسورترین فعالین طبقه کارگر ایران را از دست دادیم

شاهرخ زمانی یکی از جسورترین فرزندان طبقه کارگر ایران را که در زندان رجائی شهر محبوس بود از دست دادیم، خبرها در مورد علت فوت شاهرخ متفاوت است، اما دلیل فوت شاهرخ عزیز هر چه باشد از دست دادن این انسان جسور و مصمم، چیزی از ضایعه بزرگ و جبران ناشدنی که بر جنبش کارگری ایران تحمیل شد نمی کاهد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری:

مرگ جان گداز شاهرخ زمانی در زندان!

شاهرخ زمانی، از فعالان سرشناس کارگری و عضو هیات مدیره کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمانی و نقاش، سرانجام پس از تحمل بیش از پنج سال زندان و در حالی که به او اجازه داده نشد حتی برای لحظاتی، در مراسم خاکسپاری مادر گرامی خویش و ازدواج دختر دلبندهش شرکت کند، از میان ما رفت و به خاطره ها پیوست.

بر اساس گزارشات اولیه از زندان رجائی شهر کرج، شاهرخ در پیش از ظهر روز یکشنبه 22 / 6 / 1394 در حالی که به شکل غیرمنتظره ای به خواب رفته بود، دچار سکته مغزی شده و جان خود را از دست داد. بر اساس همان گزارش، همبندی های شاهرخ پس از این که وی در هواخوری روزانه ی زندان حضور پیدا نکرد، به سراغ وی رفته و پیکر بیجان او را در حالی که دهانش خون

آلود بود، بر روی تخت او یافتند. قابل ذکر این که تشخیص اولیه مرگ شاهرخ زمانی از طریق سکنه ی مغزی، توسط بهداری زندان صورت گرفته است.

شاهرخ، برای آخرین بار در تاریخ چهاردهم خرداد سال 1390 در تبریز بازداشت شده و پس از تحمل 36 روز سلول انفرادی و بازجویی های متعدد، در شعبه یکم دادگاه انقلاب تبریز محاکمه و به اتهام تبلیغ علیه نظام و برهم زدن امنیت ملی (!!!) به یازده سال زندان محکوم شد. این حکم عیناً در دادگاه تجدید نظر تأیید شد. شاهرخ را بارها و بارها، به خاطر اعتراض به زورگویی مقامات و مسئولین زندان و شرایط سخت و طاقت فرسای آن، که هر بار منجر به اعتصاب غذای وی می شد، به زندان های مختلف، از جمله زندان های تبریز، یزد، رجائی شهر کرج و قزل حصار تبعید کردند و مورد اذیت و آزار قرار دادند. وی در سال 1372 نیز به اتهام فعالیت در سندیکای نقاشان بازداشت و مدت هیجده ماه در بازداشت بوده است. او سرانجام جانش را در راه بهروزی و سرافرازی کارگران و مردم رنجدیده فدا کرد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن عرض تسلیت به کارگران و فعالان کارگری، خانواده گرامی آن عزیز و دوستان و یارانش، ادامه راه او، مبنی بر پیگیری خواست ها و مطالبات کارگران و توده های محروم و رنجدیده جامعه را وظیفه خود دانسته و کارگران آگاه و تشکل ها و فعالین کارگری را به مبارزه برای تحقق آن ها فرا می خواند. کمیته هماهنگی همچنین خواهان تشکیل یک هیئت تحقیق از پزشکان مستقل جهت بررسی و تعیین علت واقعی مرگ ناگهانی، عجیب و غیرمنتظره شاهرخ زمانی می باشد.

یادش گرامی باد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

1394 / 6 / 22

کانون مدافعان حقوق کارگر:

در سوگ شاهرخ زمان

“این جا مرگ هم ناله می کند!”

“اما سایه ی مرگ را از در و دیوار سلول های مجاور و مقابل و در تمامی فضای محیط حس می کردم. گویی که ساعت ها پیش مرده بودم، ساعت ها پیش بارها و بارها طناب دار را بر گلوی خود و بالا کشیده شدن را احساس کرده بودم پنجه های بغض آن چنان گلویم را فشرده بود که یارای حرکت نداشتم”....

(شاهرخ زمانی اسفند 92)

کمی بیش از يك سال قبل بود که شاهرخ گوهردشت را برای زندانیان جوانی که به جرم های گوناگون در صف اعدام بودند، این گونه توصیف کرده بود و اینک سایه مرگ در گوهردشت خود او را نیز در بر گرفته است.

و این مرگ نه اولین است و نه در چنین شرایطی، در باورمان می گنجد که آخرین آن باشد. هر روز در زندانی، یکی از فرزندان مبارز ایران با اعدام یا مرگ مشکوک راهی گورستان می شود. اگر هم هیچ کدام این دو نباشد، عدم رسیدگی درمانی و پزشکی، شرایط بسیار بد غذایی و بهداشتی، نبود تهویه هوای مناسب در سلول ها و انواع و اقسام فشارهای روحی و جسمی، سلامت زندانیان را ذره ذره می بلعد و آنان را به سوی نابودی می کشاند. فجایع جبران ناپذیری که هر يك داغ ننگی بر پیشانی مسبینان آن است. هیچ ابائی و قبحی هم از طرف مسئولین به کار گرفته نمی شود، کسانی که مسوول جان این زندانیان هستند.

وضعیت زندانیان عادی از این هم دهشتناکتر است زندانیانی که خود قربانی نظم ستمگرانه حاکم بر جامعه ی سودمحور هستند و جز محدود افرادی آگاهی مانند شاهرخ زمانی، کس دیگری تنهایی، بی کسی و بی پناهی آنان و ظلمی را به تصویر نمی کشد که در حق آنان در زندان روا می شود. آگاهگری هایی که شاید شاهرخ بهای آن را با جانش داده باشد.

اکنون که در سوک یکی دیگر از فعالان کارگری و مبارزی هستیم که قربانی بی عدالتی شده است، از خود می‌پرسیم که چه باید کرد تا از این سرنوشت به ظاهر ناگزیر، گریزی داشته باشیم به سوی عدالت و آزادی و رفع ستم از تمامی زحمتکشان که آرزو و هدف شاهرخ زمانی بود. ضمن تسلیت به خانواده زمانی و تمامی کارگران و زحمتکشان، اعلام می‌کنیم تا روشن شدن علت واقعی مرگ وی و آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی از پای نخواهیم نشست و به جد خواهان تغییر شرایط زندان‌ها برای همه‌ی زندانیان هستیم.
کانون مدافعان حقوق کارگر
22 شهریور 1394

پیام تسلیت انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) بمناسبت درگذشت شاهرخ زمانی
هرگز از مرگ نهراسیده ام
اگر چه دستانش از ابتدال شکننده تربود...

.....
در نهایت تاسف و ناباوری شاهرخ زمانی کارگر و نقاش ساختمان 50ساله ؛ یکشنبه 22 شهریور 94 در زندان گوهر دشت کرج به نقل از بهداری این زندان بر اثر سکته ی مغزی و در روایتی دیگر سکته ی قلبی درگذشت.

شاهرخ زمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و عضو هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش ساختمان و حامی و پیشتبان قاطع خواست های صنفی معلمان ایران بود که از 27 مرداد 90 در زندان به سر می برد و مدتی طولانی در اعتراض به شرایط نامطلوب زندان، اعتصاب غذا کرد.

انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) این مرگ تلخ را به خانواده ایشان و تمامی فعالان صنفی و کارگری ایران تسلیت می گوید.

منبع: حقوق معلم و کارگر

پیام تسلیت کانون صنفی معلمان ایران بمناسبت درگذشت شاهرخ زمانی، فعال کارگری

در کمال تاسف و ناباوری شاهرخ زمانی فعال کارگری، روز یکشنبه 22 شهریور بنا بر گزارش بهداری زندان در اثر سکته مغزی در زندان گوهر دشت درگذشت. این کارگر زندانی که دوران حبس 11 ساله خود را در این زندان سپری می کرد همبند معلمان دربند در سالن 12 زندان گوهر دشت بود. وی به عنوان یک کنشگر فعال بارها از خواسته های صنفی معلمان حمایت نمود. کانون صنفی معلمان ایران فقدان این فعال کارگری را به خانواده محترم وی و فعالان و جامعه کارگری ایران تسلیت می گوید.

کمیته اطلاع رسانی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

هیات تحریریه حقوق معلم و کارگر:

شاهرخ زمانی، فعال کارگری، در زندان رجایی شهر درگذشت...

امروز بیست و دوم شهریور ماه هزار و سیصد و نود و چهار، شاهرخ زمانی، فعال کارگری، بر اثر سکته قلبی در زندان رجایی شهر درگذشت.

شاهرخ زمانی عضو هیات مدیره کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاشان در ایران بود.

این فعال کارگری در ۱۸ خرداد سال ۱۳۹۰ در تبریز بازداشت و در دادگاه به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. از جمله اتهامات او تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری از جمله سندیکای کارگران نقاش بود.

شاهرخ از فعالین کارگری محبوس در زندان رجایی شهر بود که بارها به دلیل اعتراض به وضعیت خود در زندان، اعتصاب غذا کرده بود و رنج تبعید را به جان خریده بود. ساعت 5 بعد از ظهر امروز، دوستانش قصد بیدار کردن او را داشتند که با بدن سرد و کبود شده وی مواجه می شوند. وی

را سریعاً به بهداری منتقل می شود اما پزشک بهداری اعلام می کند که بر اثر سکته قلبی جان سپرده است.

مصیبت وارده را به خانواده شاهرخ زمانی و جامعه کارگری ایران تسلیت می گوئیم و خواستار رسیدگی جدی به وضعیت جسمانی و سلامتی فعالین دربند هستیم.

هیأت تحریریه حقوق معلم و کارگر

خانواده محمود صالحی :

دولت مسئول مرگ شاهرخ زمانی است.

"قطره آب، سنگ را نه به ضرب زور، بلکه با چکیدن مکرر سوراخ می کند".

طبقه کارگر ایران برای رسیدن به مطالبات خود صدها نفر همچون شاهرخ زمانی را از دست داده و از دست دادن کسانی مثل شاهرخ عزم ما را برای رسیدن به خواست های شاهرخ جزم تر می کند.

کارگران ایران سالهاست به عناوین مختلف در راه مبارزه جان خود را از دست داده و می دهد. ولی مرگ شاهرخ در حالی که از سلامتی کامل برخوردار بود ما را شوکه کرد و قبول کردن مرگ این رفیق برای شخص من که دو روز پیش با او نیم ساعت در مورد جنبش کارگری و دادگاه خود و عثمان اسماعیلی صحبت کردیم خیلی سنگین بود.

کارگران:

طبقه کارگر ایران و جهان برای رسیدن به خواست و مطالبات خود هزاران نفر همچون شاهرخ زمانی را از دست داده است. از دست دادن کسانی مثل شاهرخ به نیروی تبدیل می گردد که برای رسیدن به اهدافمان ما را استوار تر می کند.

قی روشن

www.ofros.com

مرگ ناگهانی شاهرخ زمانی در زندان

سه شنبه ۲۴ شهریور

۱۳۹۴ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵

مجموعه

مسئولان مرگ مدافع حقوق کارگری، زنده یاد شاهرخ زمانی را محکوم می کنیم

زنده یاد شاهرخ زمانی کارگر زحمتکش نقاش ساختمانی بیشتر عمر خود را در راه اندیشه و تلاش برای آرمان های عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان و محرومان فدا نمود و در این راه تا آنجا پیش رفت که در این مسیر به حکم سنگین یازده سال زندان محکوم شد و بیش از پنج سال محکومیت خود را در زندان های مختلف که آخرین آن زندان جان فرسای رجایی شهر بود گذراند.

آن زحمتکش شریف اخلاق و رفتارش در زندان پیوسته مورد تایید هم بندان بود و او همیشه برای

کمک به دیگر زندانیان آماده فداکاری و گذشت بود او تا لحظه آخر عمر خویش مدافع آرمان های

مردمی و عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و زحمت کشان به ویژه حقوق سندیکای کارگران بود و

علی رغم آزار و اذیت های پیدا و پنهان که علیه او می شد به راه مردمی خود ادامه می داد. شرایط عمومی اسفناک و بسیار نامناسب زندان های ایران آنچنان تلخ و تحمل ناپذیر است که حتی مسئولان امور خود نیز معترف به آن بوده و آنرا تکرار می کنند. این شرایط سخت و دشوار به ویژه در زمینه امور بهداشتی پزشکی در رویداد تلخ مرگ آن زنده یاد بسیار موثر بوده است. مسلماً اگر او زندانی نبود بسیاری از گرفتار های خانوادگی ناگوار و مرگ زود هنگام بر او روی نمی داد. خون بهای مرگ باور نکردنی زنده یاد شاهرخ زمانی این کارگر ستم دیده به عهده کسانی است که عهده دار امور حقوق زندانیان هستند.

شاهرخ زمانی از آغاز دوره جدید کوشش جنبش سندیکای کارگری ایران که از اوایل دهه هشتاد گسترش یافت در راه ایجاد و اتحاد و یکپارچگی نیروهای مدافع حقوق کارگری و برقراری سندیکای کارگران نقاش ساختمانی فعالیت نموده و همچنین از دوستداران سندیکای کارگران شرکت واحد بود. سندیکای کارگران شرکت واحد به حکم وظیفه همبستگی کارگری و دفاع از حق و عدالت و آزادی همراه با محکوم کردن مقصران مرگ غم بار این انسان کارگر شریف به خانواده دغدار ایشان و همکاران و عموم کارگران فداکار راه حق و عدالت اجتماعی و آزادی تسلیت گفته و خواستار مجازات مقصران و رعایت حقوق خانواده و بازماندگان آن زنده یاد می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

شهریور ۲۳ ۱۳۹۴

شاهرخ زمانی، یکی از جسورترین فعالین طبقه کارگر ایران را از دست دادیم

شاهرخ زمانی یکی از جسورترین فرزندان طبقه کارگر ایران را که در زندان رجائی شهر محبوس بود از دست دادیم، خبرها در مورد علت فوت شاهرخ متفاوت است، اما دلیل فوت شاهرخ عزیز هر چه باشد از دست دادن این انسان جسور و مصمم، چیزی از ضایعه بزرگ و جبران ناشدنی که بر جنبش کارگری ایران تحمیل شد نمی کاهد.

جعفر عظیم زاده

من در فیسبوک و تویتر و لاین و ... حضور ندارم تا درد غیر قابل التیام و جانکاهم را از نبود شاهرخ در پیامی کوتاه بیان کنم. قادر به انتخاب هیچ تیتری برای از دست دادن این انسان جسور و مصمم نیستم. همین سه ماه پیش بود که پس از آزادی از زندان مرکزی ساوه تماس گرفت. نمی توانم صمیمیت، صلابت و طنین دوست داشتنی صدایش را در نوشته ای به تصویر کشم. علت فوت ناگهانی

شاهرخ عزیزمان هر چه باشد نه تنها چیزی از جنایت و توحش سرمایه داری حاکم بر ایران کم نخواهد کرد بلکه ما کارگران را مصممانه تر از همیشه برای پایان دادن به ستم و استثمار و برپائی دنیائی بهتر به پیش خواهد راند.

سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت شاهرخ زمانی، فعال کارگری

در کمال تاسف و ناباوری شاهرخ زمانی فعال کارگری، روز یکشنبه ۲۲ شهریور بنا بر گزارش بهداری زندان در اثر سگته مغزی در زندان گوهردشت درگذشت. این کارگر زندانی که دوران حبس ۱۱ ساله خود را در این زندان سپری می کرد همبند معلمان دربند در سالن ۱۲ زندان گوهردشت بود. وی به عنوان یک کنشگر فعال بارها از خواسته های صنفی معلمان حمایت نمود. کانون صنفی معلمان ایران فقدان این فعال کارگری را به خانواده محترم وی و فعالان و جامعه کارگری ایران تسلیت می گوید.

کمیته اطلاع رسانی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

پیام تسلیت انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) بمناسبت درگذشت شاهرخ زمانی

هرگز از مرگ نهراسیده ام

اگر چه دستانش از ابتذال شکننده تر بود ...

در نهایت تاسف و ناباوری شاهرخ زمانی کارگر و نقاش ساختمان ۵۰ساله ؛ یکشنبه ۲۲ شهریور ۹۴ در زندان گوهر دشت کرج به نقل از بهداری این زندان بر اثر سگته ی مغزی و در روایتی دیگر سگته ی قلبی درگذشت.

شاهرخ زمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و عضو هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش ساختمان و حامی و پشتیبان قاطع خواست های صنفی معلمان ایران بود که از ۲۷مرداد ۹۰ در زندان به سر می برد و مدتی طولانی در اعتراض به شرایط نامطلوب زندان، اعتصاب غذا کرد.

انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) این مرگ تلخ را به خانواده ایشان و تمامی فعالان صنفی و کارگری ایران تسلیت می گوید

یار مبارز و خستگی ناپذیر کارگران، راهت ادامه دارد!

با خبر شدیم شاهرخ زمانی عزیز از فعالین کارگری دربند و یار و یاور کارگران و زحمتکشان که چندین سال است، در سیاه چالهای سرمایه، مورد شدیدترین فشارهای روحی و جسمی قرار گرفته است، در کمال ناپاوری و نابهنگام، دیده از جهان فروبست و ادامه راه خود را به هم زنجیرانش در به سرانجام رساندن مبارزه طبقاتی کارگران و توده های به ستوه آمده از قید و بند مناسبات سرمایه سپرده است. خبرهای ضد و نقیضی در مورد مرگ این رهبر دلسوز و نماینده واقعی کارگران که مقامات زندان رجایی شهر آن را سکنه مغزی اعلام کرده اند، منتشر شده است که به هیچ عنوان نمی تواند یک مرگ طبیعی باشد و تنها شرایط بد زندان و تبعید و اعتصاب های غذاهای طولانی مدت ایشان و دوری از خانواده و تلاشهای حافظان سرمایه، برای خفه کردن صدا و روحیه مبارزه جویانه شاهرخ بود، که علت مرگ او را رقم زد.

لذا ما جمعی از کارگران سنندج و حومه، با دلی اندوهگین و چشمانی اشک آلود اما راست قامت و سربلند، ضمن عرض تسلیت، به خانواده شاهرخ زمانی و تمامی کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند، اعلام می داریم، بدون شک مرگ شاهرخ زمانی عزیزمان فریاد آزادی خواهی او را در میان تمامی انسانها برای ساختن دنیای آزاد و برابر رساتر و مصمم تر خواهد کرد.

یادش گرامی و راهش پر ره رو باد.

جمعی از کارگران سنندج و حومه

۲۴ شهریور ۱۳۹۴

مجازات مرگ در سایه

اصلاً لازم نیست دنبال شاهد و مدرک برای شکنجه و ضرب و شتم بگردیم تا بتوانیم ثابت کنیم که زندانبان مسئول مرگ شاهرخ زمانی است. البته بوده اند زندانیان بسیاری که بر اثر شکنجه کشته شده اند، از خیل عظیمی از زندانیان دهه ی ۶۰ بگیر تا زندانیان سال های اخیر همچون زهرا کاظمی، زهرا بنی یعقوب، ستار بهشتی و... اما صرف نظر از این گونه کشتن زندانیان سیاسی و صرف نظر

از اعدام هزاران زندانی سیاسی، عمده ی زندانیانی که در زندان «به طور طبیعی و عادی» مرده اند بر اثر فرسایش تدریجی جسم و جانیشان در شرایط جان فرسای زندان، به ویژه تبعیدگاه هایی چون زندان گوهردشت، و بالاخص به علت بی توجهی عامدانه زندانبان درگذشته اند. مثلاً همین چندی پیش، چیزی نمانده بود که در سلول انفرادی زندان سنندج محمود صالحی- که کلیه هایش را از دست داده بود - جان خود را نیز از دست بدهد. واقعیت این است که این گونه مرگ ها در زندان های جمهوری اسلامی به صورت نوعی روند برنامه ریزی شده برای مجازات نانوشته و در سایه با هدف درهم شکستن و به تسلیم کشاندن زندانیان سیاسی درآمده است. بنابراین، تکیه را باید بر افشا و محکومیت این گونه مجازات مرگ در سایه گذاشت. حتی اگر زندانیانی چون اکبر محمدی، روح اله فیض مهدوی، افشین اسانلو و اکنون شاهرخ زمانی بر اثر شکنجه و ضرب و شتم کشته نشده باشند، این واقعیت سرسوزنی تغییر نمی کند که آنها در زندان عمداً به حال خود رها شده اند تا بمیرند.

برگرفته از فیس بوک محسن حکیمی

۲۳/۶/۱۳۹۴

در ابا (derabaa)

مراسم خاکسپاری رفیق شاهرخ زمانی در تبریز:

فردا سه شنبه بیست و چهارم شهریور ۱۳۹۴ برابر با پانزدهم سپتامبر ۲۰۱۵ ساعت ۱۰/۳۰ خاکسپاری در وادی رحمت تبریز...

تیكا كلاکی

از دیروز که خبر کشته شدن شاهرخ منتشر شد افراد و جریانات زیادی خیلی عامدانه سعی در تقلیل مبارزات کمونیستی شاهرخ در حد یک سندیکالیست معمولی را شروع کرده اند و رسانه های بورژوازی هم هیچ اشاره ای به تاریخ مبارزات شاهرخ به عنوان یک "کمونیست" رزمنده نکرده اند و شاهرخ را یک فعال سندیکایی معرفی کردند. در زمستان سال ۱۳۹۲ (۲ سال پیش) گفتگویی طولانی با شاهرخ داشتم پیرامون "حزب سیاسی طبقه کارگر" ویژگی ها و خصوصیات آن که هر چند این گفتگو طولانیست اما ارزش خواندن مجدد را دارد! برای مشاهده و خواندن مصاحبه [اینجا](#) را کلیک کنید.

ما مرگ شاهرخ زمانی را به پرچی برای

اتحاد و همبستگی کارگری که او پیشتازش بود تبدیل خواهیم کرد

شاهرخ زمانی، مبارز خستگی ناپذیر و جسور جنبش کارگری ایران در کمال بهت و حیرت و ناباوری همگان در زندان گوهر دشت چشم از جهان فرو بست. علت مرگ شاهرخ را مقامات رسمی هر چه اعلام کنند از نظر ما مسئولیت مستقیم آن تماما بر عهده کسانی است که با تحمیل برده و ارترین شرایط بر ما کارگران، حق تشکل یابی و مبارزه برای یک زندگی بهتر را نیز از ما سلب کرده و انسان‌های شریف و بزرگی همچون شاهرخ زمانی را به گوشه زندان‌ها افکنده اند. مرگ تکان‌دهنده شاهرخ در کنج زندان بدون هیچ پیشینه بیماری، نه اولین جان باختن یک زندانی و نه تحت شرایط موجود زندانهای کشور، آخرین آن خواهد بود.

اگر چه مرگ ناگهانی شاهرخ از نظر هر انسان منصفی مشکوک به نظر می رسد اما بدون چنین تردیدهایی نیز، شرایط زندان‌های کشور بویژه برای فعالین کارگری و زندانیان سیاسی به هزار و یک دلیل از پخش پارازیت گرفته تا غذای نامناسب، عدم رسیدگی پزشکی و نبود بهداشت، شیوه نگهداری نامناسب و اعمال انواع فشارهای روحی و روانی به اندازه کافی مرگ آور است.

شاهرخ زمانی هیچ جرمی جز دفاع از حقوق هم طبقه ای هایش مرتکب نشده بود. او نه صاحب منصب بود، نه اختلاس کرده بود، نه کوچکترین لطمه ای به کسی زده بود و نه شریک دزدان و غارتگران بود. او یک کارگر نقاش، از اعضای شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، عضو هیات بازگشائی سندیکای کارگران نقاش و عضو افتخاری سندیکای کارگران نقاش استان البرز و از بنیان گذاران معنوی این سندیکا بود که در خرداد ماه سال ۱۳۹۰ به دلیل مبارزاتش برای احقاق حقوق کارگران به زندان افکنده شد. اما زندان برای انسان جسور و بزرگی همچون شاهرخ، پایان مبارزه و حق طلبی نبود. او در طول نزدیک به ۵ سال دوران زندان، تا آخرین نفس هایش در یکی از سلول‌های دو نفره زندان گوهر دشت، لحظه ای از مبارزه و حق طلبی باز نایستاد. نه دیوارهای زندان، نه دادگاه، نه سرکوب و نه اعمال فشار از سوی مامورین امنیتی و زندانبانان قادر به زدن مهر سکوت بر لب‌های شاهرخ نشدند. او بدون ذره ای بزرگنمایی، با جسارت و صلابت بی نظیرش مظهر مقاومت و مبارزهجویی طبقه کارگر ایران برای خلاصی از ستم و استثمار بود.

مرگ شاهرخ برای یارانش، خانواده اش و برای جنبش کارگری ایران ضایعه ای سنگین و جبران ناپذیر است. ما این ضایعه بزرگ را به خانواده، هم بندان، یاران شاهرخ و عموم کارگران در سراسر کشور صمیمانه تسلیت می‌گوئیم و بدین وسیله اعلام می‌داریم اگرچه از دست دادن شاهرخ عزیز درد

جانکاهی است اما ما در سوز و گداز این درد جانکاه، زانوی غم در بغل نخواهیم گرفت و مرگ شاهرخ را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیشتازش بود تبدیل خواهیم کرد.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری - درود بر شاهرخ زمانی

اسامی تشکلهای امضاکننده به ترتیب حروف الفبا:

۱- اتحادیه آزاد کارگران ایران

۲- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۳- سندیکای کارگران نقاش استان البرز

۴- کانون مدافعان حقوق کارگر

۵- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

۶- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

۷- هیات بازگشائی سندیکای کارگران نقاش تهران

مرگ جان گداز شاهرخ زمانی در زندان!

شاهرخ زمانی، از فعالان سرشناس کارگری و عضو هیات مدیره کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمانی و نقاش، سرانجام پس از تحمل بیش از پنج سال زندان و در حالی که به او اجازه داده نشد حتی برای لحظاتی، در مراسم خاکسپاری مادر گرامی خویش و ازدواج دختر دلبندهش شرکت کند، از میان ما رفت و به خاطره ها پیوست. بر اساس گزارشات اولیه از زندان رجائی شهر کرج، شاهرخ در پیش از ظهر روز یکشنبه ۲۲/۶/۱۳۹۴ در حالی که به شکل غیرمنتظره ای به خواب رفته بود، دچار سکته مغزی شده و جان خود را از دست داد. بر اساس همان گزارش، همبندی های شاهرخ پس از این که وی در هواخوری روزانه ی زندان حضور پیدا نکرد، به سراغ وی رفته و پیکر بیجان او را در حالی که دهانش خون آلود بود، بر روی تخت او یافتند. قابل ذکر این که تشخیص اولیه مرگ شاهرخ زمانی از طریق سگته ی مغزی، توسط بهداری زندان صورت گرفته است.

شاهرخ، برای آخرین بار در تاریخ چهاردهم خرداد سال ۱۳۹۰ در تیریز بازداشت شده و پس از تحمل ۳۶ روز سلول انفرادی و بازجویی های متعدد، در شعبه یکم دادگاه انقلاب تیریز محاکمه و به

اتهام تبلیغ علیه نظام و برهم زدن امنیت ملی (!!!) به یازده سال زندان محکوم شد. این حکم عیناً در دادگاه تجدید نظر تأیید شد. شاهرخ را بارها و بارها، به خاطر اعتراض به زورگویی مقامات و مسئولین زندان و شرایط سخت و طاقت فرسای آن، که هر بار منجر به اعتصاب غذای وی می شد، به زندان های مختلف، از جمله زندان های تبریز، یزد، رجائی شهر کرج و قزل حصار تبعید کردند و مورد اذیت و آزار قرار دادند. وی در سال ۱۳۷۲ نیز به اتهام فعالیت در سندیکای نقاشان بازداشت و مدت هیجده ماه در بازداشت بوده است. او سرانجام جاننش را در راه بهروزی و سرافرازی کارگران و مردم رنجدیده فدا کرد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن عرض تسلیت به کارگران و فعالان کارگری، خانواده گرامی آن عزیز و دوستان و یارانش، ادامه راه او، مبنی بر پیگیری خواست ها و مطالبات کارگران و توده های محروم و رنجدیده جامعه را وظیفه خود دانسته و کارگران آگاه و تشکل ها و فعالین کارگری را به مبارزه برای تحقق آن ها فرا می خواند. کمیته هماهنگی همچنین خواهان تشکیل یک هیئت تحقیق از پزشکان مستقل جهت بررسی و تعیین علت واقعی مرگ ناگهانی، عجیب و غیرمنتظره شاهرخ زمانی می باشد.

یادش گرامی باد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۲۲/۶/۱۳۹۴



خانواده شاهرخ زمانی: شکایت می‌کنیم کالبدشکافی کنید

پیکر شاهرخ زمانی، زندانی سیاسی زندان رجایی شهر به سردخانه بی بی سکینه کرج منتقل شده است، خانواده او با تایید خبر درگذشت این فعال کارگری در زندان خواستار روشن شدن علت مرگ و توضیح مسولان در این زمینه هستند و نینا زمانی، دختر شاهرخ زمانی به روز می گوید که پدرش از نظر جسمی هیچ مشکلی نداشته و خانواده او خواستار کالبدشکافی و مشخص شدن علت مرگ هستند. او می گوید که پدرش ۴ سال محروم از مرخصی و در ۳ سال گذشته از ملاقات حضوری محروم بوده و حالا درحالی خبر مرگ او از سوی مسولان زندان تایید شده که هیچ بیماری جسمی یا مشکل جسمی که منجر به مرگ شود نداشته.

مسولان زندان رجایی شهر و دستگاه قضایی به صورت رسمی توضیحی درباره مرگ شاهرخ زمانی نداده اند اما نینا زمانی می گوید که در مراجعه به زندان رجایی شهر به آنها گفته شده که پدرش سخته مغزی کرده است.

شاهرخ زمانی، نقاش ساختمان و فعال کارگری که از سال ۹۰ به اتهام تلاش برای تشکیل تشکل های کارگری از جمله سندیکای کارگران نقاش زندانی و به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. روز گذشته وب سایت کلمه خبر درگذشت ناگهانی شاهرخ زمانی را منتشر کرد نینا زمانی در مصاحبه با

روز می گوید: امروز بعد از ظهر یک تماس مبنی بر این خبر داشتیم مراجعه کردیم زندان رجایی شهر که آنجا زندانی بود، گفتند واقعیت دارد و منتقل شده به سردخانه بی بی سکینه که در کرج است. رفتیم آنجا تایید کردند که تحویل گرفته اند. قرار شد ما فردا صبح پی گیر شکایت باشیم و کارهای کالبدشکافی که علت دقیق مرگ مشخص شود.

دختر شاهرخ زمانی توضیح می دهد: پدر من هیچ مشکلی جسمی نداشت و کاملاً سالم بود. برای همین اصلاً باورمان نشده و نمی شود و شوکه هستیم. فردا حتماً شکایت می کنم و فرم کالبدشکافی را در پزشکی قانونی پر می کنم باید مشخص شود. سم شناسی و هرچیز دیگری.

برخی وب سایت ها از سگته مغزی این فعال کارگری در زندان خبر داده اند و برخی نوشته اند که او بعد از اعتصاب غذاهای طولانی مشکل جسمی داشته و تحت درمان قرار نگرفته. دخترش می گوید: بله چند بار اعتصاب غذا کرده بود و به همین دلیل خیلی ضعیف شده بود اما مشکل اینطوری نداشت که. اینها کذب محض است پدر من کاملاً سالم بود. موقعی که به زندان رسیدیم ساعت یک ربع به ۹ شب بود و آن ساعت بخش اداری اش تعطیل است و جوابی به ما ندادند فقط گفتند منتقل شده بی بی سکینه و ما هم رفتیم آنجا.

آنجا هم چون تحویل گرفته بودند فقط تایید کردند و گفتند فردا ساعت ۷ و نیم صبح اینجا باشید. ما هنوز ندیده ایم پیکر پدرم را و من نمی توانم الان هیچ نظری بدهم، هنوز نمی دانم واقعا چه اتفاقی افتاده علت های مختلفی ممکن است وجود داشته باشد به ما گفته اند سگته کرده و ما هنوز نمی دانیم. همین طوری هم چیزی را نمی پذیریم. تا انتها پی گیری می کنم و تا علت دقیق را نفهمم از پا نمی نشینم تا انتها پی گیری می کنم که علت دقیق را بفهمم.

نینا زمانی سپس با اشاره به محرومیت پدرش از مرخصی و ملاقات حضوری در طی سالهای اخیر می گوید: اصلاً به پدر من یک بار هم مرخصی ندادند. بهمن ماه مادر بزرگ من فوت شد باز هم ندادند. مادر بزرگ من از غصه پدرم مریض شد، سرطان گرفت و فوت کرد. برای مرخصی هم حتی من پی گیری کردم. اجازه ندادند. حتی ما ملاقات حضوری هم با پدرم نداشتیم. از موقعی که پدرم را بردند رجایی شهر این ۳ سال ما نه ملاقات حضوری داشتیم نه مرخصی دادند. قبلاً زندان تبریز که بود حداقل ملاقات حضوری داشتیم اما این سه سال هیچی.

سوال می کنم که مشکل شان با پدر شما چی بود که این همه سال محروم از مرخصی و ملاقات حضوری بود و چنین برخوردهایی با او می کردند. نینا زمانی می گوید: اینجا فقط پدر من نیست با خیلی از زندانیان سیاسی چنین رفتارهایی می کنند علت اش هم این است که آدم های بزرگی مثل پدر من در مقابل ظلمی که به آنها می شد سکوت نمی کردند دائماً بیانییه صادر می کردند و با رسانه ها مصاحبه می کردند. در یک کلام اینکه شرایطی که به آنها اعمال می شد را نمی پذیرفتند. تمام کسانی

که اینطور هستند و الان هم هستند با آنها همین برخورد می شود. انتظار دارند که مردم سرشان را بیندازند پایین و هر بلایی می خواهند سرشان در بیاورند.

دختر شاهرخ زمانی می افزاید: واقعا پدر من در اوج مظلومیت رفت. خیلی به او ظلم شد رد این ۴ سالی که زندان بود. حتی نتوانست با مادر خودش خداحافظی کند. حتی من در این مدت ازدواج کردم برای عروسی من نتوانست بیاید برای عقد من نتوانست حضور داشته باشد و ارزوی همه چیز را بر دلش گذاشتند اما باید بمیرند و این آرزو بر دلشان بماند که امثال پدر من سکوت کنند. آنها می میرند هم روح شان زنده است و راهشان ادامه دارد.

شاهرخ زمانی از چهاردهم خرداد ماه زندانی بود و بیش از ۳۶ روز را در سلول های انفرادی سپری کرد. او سال ۹۱ ابتدا به زندان یزد و سپس به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. او مدتی نیز در زندان قزلحصار کرج زندانی بوده است.

شاهرخ زمانی سال ۹۳ در نامه ای به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل و ناوی پیلای، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده بود من ضمن این که مسولیت هرگونه عواقب و لطمات روحی، جسمی و جانی اعتصاب غذا را متوجه مسولین می دانم از آن جنابان می خواهم با فرستادن کمیته ی حقیقت یاب به این قتل گاه و فشارهای جهانی بر حکومت جمهوری اسلامی آن را وادار کنند، حداقل به قوانین مصوب خود در رعایت حقوق شهروندی و صنفی زندانیان مخصوصا تفکیک جرایم پایبند بوده و مرا به بند سیاسی بازگردانند.

او پیشتر و در خرداد ۹۱ هم در نامه ای به احمد شهید درباره وضعیت و پرونده خود نوشته بود: جناب احمد شهید من شاهرخ زمانی فعال سندیکایی بدون کوچکترین تقصیر و گناه در خرداد ۱۳۹۰ توسط اداره اطلاعات تبریز دستگیر شدم، ۳۶ روز در انفرادی بازداشت بودم پس از ۳۳ روز اعتصاب غذا در اعتراض به دستگیری و نگهداری غیر قانونی مرا تحویل زندان مرکزی تبریز دادند. همچنین پس از چهار ماه شکنجه، اذیت و آزار در اداره اطلاعات و زندان مرکزی تبریز در دادگاه انقلاب شعبه ۱ به ریاست قاضی حمل بر بدون داشتن کوچکترین مدرکی علیه من و بدون اعتراف به اتهامات دروغین وارد شده، دقیقا" بنا به دستور کتبی اداره اطلاعات مرا به ۱۱ سال زندان محکوم کردند. در مقابل اعتراض و ارایه لایحه دفاعی از طرف وکیل مدافع اینجانب به دادگاه که این دادگاه با استناد به کدام مدارک موجود در پرونده و یا با استناد به کدام اعتراف و کدام ماده مشخص قانونی مطابق با مدارک (در صورت وجود) ۱۱ سال زندان برای موکل من شاهرخ زمانی که هیچ گناهی مرتکب نشده است، صادر کردید؟ قاضی حمل بر چند لحظه ای سکوت کرد با سرخ و سفید شدن گفت من کاره ای نیستم، اداره اطلاعات این طور خواسته است.

او توضیح داده بود: پس از صدور، تایید و اجرای حکم غیر قانونی و فرمایشی باز هم اداره اطلاعات

دست از سر من بر نداشته، این بار با استفاده از سازمان زندانها که آن را نیز زیر سلطه دارد (این گونه مسلط بودن پلیس بر تمامی نهاد ها و ادارات مصداق انکار ناپذیر پلیسی بودن یک نظام است بنا براین تمامی زندانیان احتیاج مبرم به کمک شما دارند.) مرا به مدت دو ماه در بند قرنطینه که از بدترین، کثیف ترین و محدود ترین بند زندان است نگهداشتند. باز به اجبار دست به اعتصاب غذا زدم، پس از ۱۵ روز اعتصاب غذا مرا به بند مالی منتقل کردند. در آنجا نیز دست بر دار نبودند و با استفاده از عوامل خود باعث بی نهایت اذیت و آزار می شدند. وقتی متوجه شدند که من توانستم با برخورد انسانی و برقراری دوستی با دیگر زندانیان تو طئه های آنها را در مورد ایجاد درگیری خنثی کنم مرا به بند ۱۵ متادون تبعید کردند. بیشترین زندانیان این بند معتاد های با دوز بالا هستند که تعدادی از آنها غیر از بیماریهای مربوط مستقیم به اعتیاد، به ایدز، هپاتیت و قانقارای نیز مبتلا می باشند. من برای قاضی حمل بر نامه ارسال کردن و از قاضی مستقر در زندان خواستم از این عمل غیر قانونی جلوگیری کند و از رئیس زندان که استادی بود در خواست رسیدگی کردم، او گفت این دستور از طرف قو قضاییه و سازمان زندانها نیست بلکه دستور اداره اطلاعات است، من گفتم پرونده منم پس از صدور حکم طبق قانون باید از دست پلیس خارج شود رئیس زندان گفت زندانیان سیاسی دائماً" تحت مسئولیت وزارت اطلاعات هستند. در ایران هیچ قانونی اجرا نمی شود و زندانیان سیاسی هیچ گونه حق و حقوقی حتی حقوق زندانیان عادی را نیز ندارند. مسئولین نظام حکومت ایران همیشه اعلام می کنند ما زندانی سیاسی نداریم تا در خلاء قانونی در رابطه با موضوع سیاسی ما را از هرگونه حقی محروم کنند. اما در داخل زندان برای ایجاد محرومیت بیشتر، بدون قید کردن در پرونده ها ما را سیاسی می گویند تا از هر گونه حقوق زندانی عادی از جمله مرخصی، عفو های عمومی بدون شروط خاص، کار در زندان یا بیرون، بند مجزا برای سیاسی ها و... نیز محروم شویم، همه این اعمال غیر قانونی و ضد انسانی با سیاست یک بام دو هوا توسط تمامی مسئولین رده بالا صورت می گیرد.

او با طرح این سوال که نگهداری زندانیان سیاسی در میان افراد مبتلا به ایدز، هپاتیت، قانقارایا و دیگر بیماریهای مسری یا همراه افراد دارای حکم سنگین ابد و اعدام، جز شکنجه و کشتن چه معنایی دارد؟ خطاب به احمد شهید نوشته بود: آقای رئیس تنها امید ما زندانیان سیاسی به مردم، شما، نهادهای حقوق بشر، سازمانهای سیاسی و مردمی و تشکل های کارگری است. لطفاً هر کاری از دست شما برای نجات زندانیان بر می آید انجام بدهید.

روز آنلاین: فرشته قاضی

شاهرخ زمانی، مبارزی از تبار کموناردها، از تبار انقلابیون مقاوم دهه ۶۰

جسارت انقلابی و بی پروائی شاهرخ زمانی کارگر نقاش، از رهبران عملی مبارزات کارگری و چپ، خاری در چشم رژیم جمهوری اسلامی بود. با او چه می توانستند بکنند که به زانو در آید و یا حد اقل به سکوت مجبور شود. سالها زندان، سلول انفرادی، شکنجه و ضرب و شتم ... نتوانست زبان تیز آگاه گرایانه او، زبان سازمانده و گویای منافع طبقاتی کارگران او را ببندد و یا تضعیف کند و چاره کار برای رژیم کثیف و جانی سرمایه داری حذف فیزیکی او بود.

مرگ اسیران در زندان چه با طناب دار و تیر باران و چه با خوراندن زهر و یا ضرب و شتم و اثرات دراز مدت آن، قتل است و رژیم جمهوری اسلامی عامل و مسئول آن .

از دست دادن شاهرخ زمانی ضایعه ای دردناک بر پیکر جنبش کارگری، مبارزان و فعالین کمونیست و خانواده و نزدیکان شاهرخ است.

با سازماندهی حرکات تعرضی، سراسری و هماهنگ از مبارزان زندانی مان دفاع کنیم و نگذاریم رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی کم هزینه و در سکوت به کشتار زندانیان ادامه دهد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

مرگ بر جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم

۱۴ سپتامبر ۲۰۱۵

قتل شاهرخ زمانی در شکنجه گاهای جمهوری اسلامی سرمایه

شاهرخ زمانی کارگر مبارز نقاش و فعال جنبش سندیکائی در سیاهچال های مرگزای دولت اسلامی بورژوازی جان داد. گفتگو در باره اینکه شاهرخ سخته مغزی کرده است، سخته وی قلبی بوده است، مسموم شده است یا به هر شکل دیگری جان باخته است، صرفاً کفن و دفن یک جنایت موحش جمهوری اسلامی در گورستان لفظ بازی های رسانه ای، اداری و «حقوقی» سرمایه است. او در سیاهچال دولت درنده بورژوازی، در شکنجه سرای نظام بشرستیز و کارگر کش سرمایه داری و در زنجیر اسارت نظام بردگی مزدی جانش را از دست داده است. همه اینها بسیار صریح و شفاف متضمن این معنایند که «زمانی» توسط سرمایه و با دست قوای قهر و سرکوب دولت بورژوازی به

قتل رسیده است. شاهرخ زمانی به جرم اعتراض علیه تشدید بی مهار استثمار همزنجیران خویش زندانی شد. او خواستار متشکل شدن کارگران در سندیکاها بود، علیه فقر و گرسنگی و ستمکشی و بی مسکنی و بی دارویی و آوارگی توده های کارگر مبارزه می کرد، بر بهبود شرائط کار و زندگی همزنجیرانش اصرار می ورزید. او به خاطر اعتراض علیه جنایات سرمایه و مبارزه برای تحقق مطالبات اولیه کارگران به زندان افتاد. دولت درنده اسلامی بورژوازی وی را زندانی کرد تا حق زنده بودن توأم با اعتراض و مبارزه علیه سببیت های سرمایه را از وی سلب نماید، خیلی ها سخن از محکوم کردن این جنایت می گویند، با صدور این احکام نمی توان سرمایه را از تداوم کشتارها و هولوکاست ها باز داشت. باید بر طبل مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری و برای محو بردگی مزدی کوبید. باید با عزم استوار دست به کار برپائی شوراهای سرمایه ستیز توده های وسیع طبقه کارگر شد، باید جنبش شورائی سراسری ضد کار مزدی توده های کارگر را نیرو داد. قتل شاهرخ بسان قتل هر کارگر مبارز دیگر باید زمینه ای برای پیکار مصمم تر و آگاه تر و استوارتر ما در راستای ایفای این نقش اساسی و حیاتی باشد.

فعالین جنبش لغو کار مزدی - سپتامبر ۲۰۱۵



مرگ شاهرخ زمانی

برگی دیگر از جنایات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی

مرگ رفیق شاهرخ زمانی، این کارگر انقلابی بی باک و آگاه، در یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ در زندان رجایی شهر کرج، اندوهی عمیق بر جان مدافعان مبارزه طبقة کارگر نشانده است. بی تردید عامل اصلی مرگ این رفیق، رژیم ددمنش و قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران است. شاهرخ زمانی، آخرین بار، در ۱۴ خرداد ۱۳۹۰ در تبریز بازداشت شد و در دادگاه فرمایشی رژیم به ۱۱ سال زندان محکوم گردید. «جرم» شاهرخ زمانی، دفاع از حقوق کارگران، مبارزه برای ایجاد سندیکای مستقل کارگری، دعوت از کارگران برای ایستادن در مقابل طبقة سرمایه دار و دولت سرمایه داری، افشای همه جانبه سیاست های ضد کارگری رژیم خونخوار حاکم و تأکید بر این حقیقت بزرگ بود که کارگران توانائی تغییر انقلابی وضع موجود را دارند و قادر به پی ریزی جامعه ای بدون استثمار و طبقات اند.

شاهرخ حتی در دشوارترین لحظات، این امید انقلابی زندگی ساز را از یاد نبرد و به همین جهت در مدت بیش از ۴ سالی که تا آخر عمر کوتاهش در زندان بود لحظه ای از مبارزه برای حقوق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کارگران، همبستگی با مبارزات آنان و افشاگری رژیم حاکم دست نکشید. او خشونت و جنایات این رژیم را با قدرت و قاطعیت و رو در روی جلادان خود محکوم کرد. او در درون زندان ها و شکنجه گاه های جمهوری اسلامی در مقابل این رژیم کارگر کش و قداره کشان او ایستاد و کوشید دیدگاه ها و آرمان هایش را حتی با ناچیزترین امکانات، تبلیغ و ترویج کند و به پیش برد.

سرمایه داران و رژیم آدمکش حامی آنها باید بدانند که با هیچ سرکوب و جنایتی قادر به خاموش کردن صدای حق طلبانه کارگران و دیگر زحمتکشان نخواهند بود؛ با هیچ دروغ، فریبکاری، خرافه پروری و شسنشوی مغزی؛ با هیچ سانسور، اختناق و تهدیدی قادر به بستن چشم و گوش کارگران و زحمتکشان ایران و جهان نخواهند شد. این کور دلان نمی دانند که به رغم مرگ فیزیکی شاهرخ، یاد رزمندگی و مبارزات او زنده و اثربخش است و چنین خواهد ماند.

کارگران آگاه می دانند که طبقة سرمایه دار و رژیم ارتجاعی حامی آن نه تنها هر روز و هر ساعت شیرۀ جان کارگران را در کارخانه ها، کارگاه ها، معدن ها، مزارع و دیگر محیط های کار و فعالیت تولیدی و خدماتی تا آخرین قطره می مکند، بلکه در سرکوب و حتی ریختن خون کارگران هنگامی که با مقاومت طبقاتی روبرو شوند لحظه ای درنگ نمی کنند. نابود کردن فیزیکی شاهرخ زمانی شاهدهی

بر این تلاش های جنایتکارانه و در عین حال نافرجام استثمارگران و حامیان آنهاست. اما به رغم این جنایت ها، مقاومت ها و مبارزات کارگران نه تنها نابود نخواهند شد، بلکه عمق و گسترش بیشتری خواهند یافت. این حکم تاریخ است.

ما از همه کارگران، از همه نیروهای انقلابی و مبارز می خواهیم که برای بزرگداشت این رفیق فراموش نشدنی در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران، دست به دست یکدیگر بدهند، با تمام نیرو به افشاگری جنایت های رژیم و روشن کردن جریان مرگ شاهرخ زمانی روی آورند و جنبش اعتراضی و تظاهرات به ضد رژیم اسلامی ضد کارگری و ضد دموکراتیک حاکم بر ایران را بارورتر و نیرومند تر سازند.

زنده باد یاد شاهرخ زمانی

مرگ بر رژیم کارگرکش اسلامی

زنده با آزادی، زنده باد سوسیالیسم

جمعی از کمونیست های ایران (آذرخش)

دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۴

شاهرخ زمانی، کارگر انقلابی، قربانی دیگر رژیم

شاهرخ زمانی، فعال کارگر شناخته شده محبوس در زندان رجایی شهر کرج، به طور «ناگهانی» درگذشته است.

به گزارش خبرگزاری فعالین حقوق بشر، «هرانا»، روز یکشنبه ۲۲ شهریورماه، همبندی های شاهرخ زمانی، هنگامی که قصد داشتند وی را برای هواخوری صبح در حیاط زندان بیدار کنند، متوجه جسد بی جان او بر روی تخت شدند.

شبکه همبستگی کارگری، عمیقاً از خبر مرگ شاهرخ زمانی متأسف است و از صمیم قلب به خانواده، دوستان و رفقای تسلیت می گوید.

اگرچه مقامات رژیم ایران ادعا می کنند که شاهرخ در اثر سکت درگذشته است، اما همبندی های وی اعلام کرده اند که اثراتی از «کبودی و خون لختگی» بر روی بدن او بوده است. جسد او برای

تشخیص اولیه به بهداری زندان منتقل شده است. ما خواهان کالبدشکافی او از سوی متخصصین مستقل

و سرشناس بین المللی هستیم.

مسئولیت مرگ شاهرخ، چه به دلیل سخته باشد یا دیگر اشکال «طبیعی» مرگ، با رژیم ایران است و پیامد سیاست سرکوب و آزار و اذیت سیستماتیک فعالین کارگری و سوسیالیست ها. به بیان ساده تر: شاهرخ و تمامی دیگر فعالین و سوسیالیست ها، هیچ گونه جرمی مرتکب نشده و بنابراین نباید در زندان باشند. کوچکترین رویداد ناگواری که برای هر یک از آن ها در زندان رخ بدهد، مسولیت آن بر عهده رژیم است.

فعالینی مانند شاهرخ علاوه بر حبس و دوری از خانواده و دوستان، وادار می شوند برای دفاع از ابتدایی ترین حقوق خود، مقاومت در برابر حبس انفرادی، نقل و انتقال های مکرر، عدم برخورداری از خدمت درمانی، ممنوعیت ملاقات و دیگر تمهیدات رژیم برای درهم شکستن روحیه آنان، بارها وارد اعتصاب غذا شوند. همه این ها، به شک و تردیدهای ما نسبت به علل اصلی مرگ شاهرخ می افزاید.

شاهرخ زمانی چهاردهم خرداد ماه ۱۳۹۰ در تبریز و بدون تفهیم اتهام علیه خود دستگیر شد، و سپس به ۱۱ سال حبس محکوم گردید. در طی دومین اعتصاب غذای خود که ۵۰ روز به طور انجامید، ۲۴ کیلوگرم از وزن خود را از دست داد. رژیم سرمایه داری ایران حتی به شاهرخ اجازه شرکت در مراسم خاکسپاری مادر یا عروسی تنها دخترش را هم ندارد! این برخورد تند با شاهرخ زمانی، بی تردید به دلیل باور سازش ناپذیر او به مفهوم لنینیستی حزب پیشتاز انقلابی طبقه کارگر بود. متأسفانه شاهرخ دیگر در میان ما نیست. با این حال ما شاهرخ را هر روز از مبارزه برای آزادی هر یک از فعالین کارگری و زندانیان سیاسی، به یاد خواهیم داشت.

شبکه همبستگی کارگری

۲۲ شهریور ۱۳۹۴

"اینجا مرگ هم ناله می‌کند!"

"اما سایه‌ی مرگ را از در و دیوار سلول‌های مجاور و مقابل و در تمامی فضای محیط حس می‌کردم. گویی که ساعت‌ها پیش مرده بودم، ساعت‌ها پیش بارها و بارها طناب دار را بر گلوئی خود و بالا کشیده شدن را احساس کرده بودم پنجه‌های بغض آن‌چنان گلویم را فشرده بود که یاری حرکت نداشتم...." (شاهرخ زمانی اسفند ۹۲)

کمی بیش از يك سال قبل بود که شاهرخ گوهردشت را برای زندانیان جوانی که به جرم های گوناگون در صف اعدام بودند، این گونه توصیف کرده بود و اینک سایه مرگ در گوهرشت خود او را نیز در بر گرفته است.

و این مرگ نه اولین است و نه در چنین شرایطی، در باورمان می گنجد که آخرین آن باشد. هر روز در زندانی، یکی از فرزندان مبارز ایران با اعدام یا مرگ مشکوک راهی گورستان می شود. اگر هم هیچ کدام این دو نباشد، عدم رسیدگی درمانی و پزشکی، شرایط بسیار بد غذایی و بهداشتی، نبود تهویه هوای مناسب در سلول ها و انواع و اقسام فشارهای روحی و جسمی، سلامت زندانیان را ذره ذره می بلعد و آنان را به سوی نابودی می کشاند. فجایع جبران ناپذیری که هر يك داغ ننگی بر پیشانی مسببان آن است. هیچ ابائی و قبحی هم از طرف مسئولین به کار گرفته نمی شود، کسانی که مسوول جان این زندانیان هستند.

وضعیت زندانیان عادی از این هم دهشتناکتر است زندانیانی که خود قربانی نظم ستمگرانه حاکم بر جامعه ی سودمحور هستند و جز معدود افرادی آگاهی مانند شاهرخ زمانی، کس دیگری تنهایی، بی کسی و بی پناهی آنان و ظلمی را به تصویر نمی کشد که در حق آنان در زندان روا می شود. آگاهگری هایی که شاید شاهرخ بهای آن را با جانش داده باشد.

اکنون که در سوک یکی دیگر از فعالان کارگری و مبارزی هستیم که قربانی بی عدالتی شده است، از خود می پرسیم که چه باید کرد تا از این سرنوشت به ظاهر ناگزیر، گریزی داشته باشیم به سوی عدالت و آزادی و رفع ستم از تمامی زحمتکشان که آرزو و هدف شاهرخ زمانی بود.

ضمن تسلیت به خانواده زمانی و تمامی کارگران و زحمتکشان، اعلام می کنیم تا روشن شدن علت واقعی مرگ وی و آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی از پای نخواهیم نشست و به جد خواهان تغییر شرایط زندان ها برای همه ی زندانیان هستیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر

۲۲ شهریور ۱۳۹۴

"سلام رفیق"

شاهرخ عزیز، باور کردنش سخت است که دیگر صدای مهربانت را نمی شنوم، آن هنگام که می گفتی "سلام رفیق" ...

جنبش کارگری ایران یکی از فعالین سوسیالیست را از دست داد.

شاهرخ زمانی، کارگر، عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری، عضو سندیکای کارگران تهران و فعال سوسیالیست، امروز ۲۲ شهریور ماه ۱۳۹۴ در زندان گوهر دشت (رجایی شهر کرج) به طرز مشکوکی جان باخت.

رفیق شاهرخ، که از طرف بی داد گاه های رژیم سرمایه داری ایران به ۱۱ سال حبس محکوم شده بود بعد از ۵ سال حبس همراه با شکنجه، امروز ناباورانه از میان ما رفت.

سیمای پر از متانت، رفاقت، و صداقت رفیق شاهرخ، همراه با آگاهی سوسیالیستی و باور های عمیق او به قدرت طبقاتی طبقه کارگر در خود رهایی از چنگال ستم و استثمار سرمایه داری، از اوسیمایی محبوب در بین فعالین جنبش کارگری ساخته بود.

انزجار عمیق او از نظام سرمایه داری غیر قابل تصور بود و به این دلیل، حامیان سرمایه، شاهرخ زمانی را به بند کشیدند تا شاید با این وسیله عزم و اراده ی او را در هم بشکنند. اما شاهرخ مقاوم، ثابت کرد که دیوار های زندان خللی در اراده سوسیالیستی او به وجود نخواهد آورد و به سود پرستان شب پرست ثابت کرد که همچنان در جنبش کارگری ایران دخالتگر خواهد بود و به راستی که تا آخرین روز حیات خود به عنوان یک کارگر سوسیالیست بیبشترین ارتباط ها را با خارج از زندان داشت و در تلاش بود تا همچون گذشته در امر سازمان یابی و سازماندهی طبقه کارگر دخالت گر باشد. جنبش چپ و سوسیالیستی طبقه کارگر ایران، یکی از یاران آگاه و فداکار خود را از دست داد، اما طبقه کارگر نه فراموش می کند و نه می بخشد بورژوازی حقیر ایران و تمامی مامورین و شکنجه گرانی که در قتل شاهرخ زمانی نقش داشته اند.

بار دیگر؛ "سلام رفیق" یادت فراموش نمی شود و در فردای پیروزی به احترام جسارت و فداکاری هایت، طبقه کارگر در رژه ی گرامی داشت جانبازگان راه رهایی و سوسیالیسم، به احترام شما و دیگر جانبازگان کلاه از سر بر خواهند داشت و یاد عزیزتان را گرامی خواهند داشت. من هم امشب، به سهم خود از تمامی زحمات بی شائبه و صادقانه ات سپاس گذاری می کنم و به احترام جسارت و رفاقتمان با چشمان اشک آلود و پاهای لرزان به احترام خواهیم ایستاد.

یادت گرامی باد

بهزاد سهرابی . ۲۲ شهریور ۱۳۹۴

مرگ ناباورانه شاهرخ زمانی، مبارز جسور طبقه کارگر

دادخواهی از شاهرخ وظیفه همه ماست!

شاهرخ زمانی، مبارز جسور و خستگی ناپذیر طبقه کارگر ایران و جهان، روز یکشنبه، ۲۲ شهریور ۱۳۹۴، برابر با ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۵، بطور ناباورانه ای در زندان رجایی شهر کرج جان باخت. مقامات پزشکی زندان، علت مرگ شاهرخ را سکنه مغزی اعلام کرده اند؛ اما هیچگونه تحقیق پزشکی مستقل در این باره صورت نگرفته است و در کل نمی توان و نباید هرگز به ادعاهای مقامات رژیم سرکوبگر و آدمکش جمهوری اسلامی استناد کرد. مسئولیت مرگ شاهرخ زمانی بطور تمام و کمال بر عهده کلیت حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

شاهرخ زمانی، فعال جنبش کارگری و سوسیالیستی، عضو هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، از ماه ژوئن ۲۰۱۱، در زندان به سر می برد. او به ۱۱ سال حبس محکوم شده بود. شاهرخ زمانی در طول این سالها مورد اذیت و آزار و فشارهای شدید قرار داشت و بارها از زندانی به زندان دیگر و از بندی به بند دیگر جابجا شد. مقامات زندان به دلیل پایداری و ادامه مبارزه در زندان توسط شاهرخ، همواره فشارهای مضاعفی به وی وارد می آوردند؛ بارها علیه او پرونده سازی کردند و در زندان مجددا دادگاهی اش کردند. جانینان جمهوری اسلامی هرگز به شاهرخ اجازه مرخصی حتی در هنگام مرگ مادرش و یا عروسی دخترش ندادند.

شاهرخ در اعتراض به اجحافات مقامات زندان و برای برخورداری از حقوق اولیه یک زندانی، بارها مجبور شد که به اعتصاب غذای طولانی دست زند. اعتصاب غذاهای شاهرخ موجی از همبستگی کارگری با او در داخل و در سطح بین المللی را در پی داشت. زندان برای شاهرخ پایان کار نبود، او تا آخرین روزهای زندگی، در باره مسائل و مبارزات کارگری مطلب می نوشت، اعلام موضع می کرد، و جسورانه کارنامه خونین و اعمال ضد کارگری و ضد انسانی جمهوری اسلامی را افشا می کرد. او لحظه ای از اعلام حمایت و همبستگی با دیگر کارگران و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی کوتاهی نکرد.

شاهرخ زمانی جرمی مرتکب نشده بود؛ به کسی آزاری نرسانده بود، حق کسی را نخورده بود، اختلاس نکرده بود؛ او مبارز صدیق و پیگیر طبقه کارگر بود که برای نابودی نظام استثمار گرانه سرمایه داری و برقراری جامعه ای آزاد، برابر و سوسیالیستی مبارزه می کرد. جمهوری فاسد اسلامی، این حکومت سرمایه داران، در شاهرخ زمانی، دشمن خود را می دید؛ کارگری را می دید که با صلابت تمام به اعتراض بر خاسته است و خواهان بر چین تمام این مناسباتی است که تار و پودش با استثمار، فقر، اختلاس، چپاول، سرکوب و خون و لجن به هم تنیده است. شاهرخ، فریاد اعتراض طبقه کارگر علیه این مناسبات بود؛ فریادی که از دیوارهای بلند زندان های جمهوری اسلامی گذشته بود و خواب زندانبانان را آشفته می کرد.

همانطور که بارها اعلام کرده ایم، جمهوری اسلامی مسئول مستقیم سلامتی و جان کارگران زندانی و بطور کلی همه زندانیان است. ما ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی، خواهان تحقیق مستقل پزشکی و نیز بین المللی در مورد جان باختن شاهرخ زمانی هستیم. ما صمیمانه به خانواده و دوستان شاهرخ زمانی تسلیت می گوئیم، و وظیفه خود و کلیه فعالین جنبش کارگری ایران و در سطح بین المللی میدانیم که نگذاریم زندگی، مبارزت و اهدافی که شاهرخ زمانی به خاطرش جان باخت، به فراموشی سپرده شود. ما از کلیه تشکلات کارگری بین المللی، نهادهای مدافع حقوق انسانی همچون عفو بین الملل و نیز تشکلات مستقل کارگری داخل کشور می خواهیم که تنها به ابراز تاسف و تسلیت بسنده نکنند، بلکه دادخواهی از شاهرخ را وظیفه خود بدانند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۳ سپتامبر ۲۰۱۵

info@workers-iran.org

<http://www.workers-iran.org> / <http://www.etehadbinalmelali.com>

جمهوری اسلامی مسئول مرگ فعال کارگری، شاهرخ زمانی

برطبق خبری که امروز یکشنبه ۲۲ شهریور ماه، خبرگزاری هرانا انتشار داد، شاهرخ زمانی، فعال کارگری اسیر در زندانهای جمهوری اسلامی، در زندان رجائی شهر در گذشت.

شاهرخ زمانی که از فعالین کارگری، عضو هیات مدیره کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاش بود، آخرین بار در خردادماه ۱۳۹۰ توسط رژیم ارتجاعی و ضدکارگری جمهوری اسلامی دستگیر و در بیدادگاه ضدانقلابی اسلامی تبریز به اتهام تشکیل گروه و تبلیغ علیه نظام به ۱۱ سال حبس محکوم شد.

رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در زندان نیز به طرق مختلف این فعال کارگری را مورد اذیت و آزار قرار داد. نگهداری در سلول انفرادی، انتقال به بند معتادان، تبعید به زندان یزد، قزلحصار و بالاخره رجائی شهر از نمونه تلاش های رژیم برای درهم شکستن مقاومت و روحیه مبارزه جوئی این فعال کارگری بود. رژیم کارگر ستیز به این مدافع حقوق و منافع کارگران حتا مرخصی به هنگام برگزاری مراسم مرگ مادر مبارزش و عروسی دخترش را نیز نداد. اما هیچیک از اقدامات سرکوبگرانه رژیم نتوانست خللی در عزم و اراده استوار وی به مقاومت در دفاع از منافع کارگران،

پدید آورد. در متجاوز از پنج سالی که در زندان بود، همچنان با موضعی رادیکال به مبارزه خود ادامه داد.

خبرگزاری هرانا علت مرگ شاهرخ زمانی را بنا "به تشخیص اولیه بهداری زندان" سکنه مغزی اعلام نموده است. اما اگر این ادعای بهداری زندان هم صحت داشته باشد، علت مرگ این رفیق کمونیست و فعال کارگری، آزار و اذیت و فشارهای متعددی است که در طول این پنج سال رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بر او اعمال کرده است. بنابراین عامل و مسبب مرگ شاهرخ زمانی، جمهوری اسلامی است.

سازمان فدائیان(اقلیت) مرگ این فعال کارگری مبارز را به کارگران ایران و خانواده وی تسلیت می‌گوید.

یادش گرامی و راه و آرمانهایش پر رهرو باد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فداییان(اقلیت)

۲۲ شهریور ۱۳۹۴

کار- نان- آزادی- حکومت شورایی

قتل عمد کارگر انقلابی سرخ شاهرخ زمانی

توسط نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی یا "مرگ مشکوک"؟!

شگفت انگیز نیست که متأسفانه بسیاری از گروه‌ها و از جمله چریانات فرمیست، حقوق بشری و گروه‌های طرفدار اصلاح‌طلبان و دولت روحانی دارند صرفاً "به مرگ مشکوک زمانی" اشاره می‌کنند ولی مسئولیت قتل زمانی را به گردن دولت جمهوری اسلامی نمی‌گذارند. نه تنها این یک فاجعه است، بلکه مهمتر استراتژی بورژوازی لیبرال است ... البته بسیاری از نهادهای "کارگری" و افراد

البته در مورد شاه‌رخ زمانی سکوت نکرده اند! ظاهراً خیلی هم در زمینه‌ی یک خبر رسانی صرف فعالتند و با هم رقابت می‌کنند، ولی مانند نظام جمهوری اسلامی دارند از "مرگ مشکوک زمانی" صحبت می‌کنند! و توهم ایجاد می‌کنند؛ یعنی چیزی می‌گویند که آب به آسیاب جمهوری اسلامی می‌ریزد... و جمهوری اسلامی را در قتل زمانی تبرئه می‌کنند... وقوع چنین امری یک "اشتباه تاکتیکی" از طرف چنان جریان‌اتی نیست، بلکه دیدگاه و چشم انداز فرمیسی آنها در چارچوب رفرم این نظام اتفاقاً خیلی آگاهانه برای تثبیت پایه‌های این نظام ضد بشری و کند کردن لبه تیز مبارزه طبقاتی رادیکال و به حاشیه بردن نیروهای کمونیست انقلابی که انقلاب و سرنگونی این نظام را در دستور روز خویش قرار داده اند، چنان توهماتی را در مورد قتل زمانی دامن می‌زنند.

کمونیست‌ها شکی ندارند که این یک قتل عمد از طرف جمهوری اسلامی است و نه "مرگی مشکوک"! کمونیست‌ها‌ی انقلابی قتل عمد شاه‌رخ زمانی را شدیداً محکوم می‌کنند و در تقابل با توهم پراکنی بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی فرمیست مسئول قتل او را نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی می‌دانند و به عنوان یک قتل عمد علیه بشریت شدیداً آنرا محکوم می‌کنند. باید ارتباط قتل عمد زمانی را با کارکرد این نظام سرمایه داری ضد کارگری بر ملا کرد. طبق تمام قوانین بین المللی درمان نکردن زندانی بیمار، کشتن او و قتل عمد محسوب می‌شود. مسئولیت مرگ زندانی بیمار بر عهده‌ی زندانبانان نظام حکومتی است که قوانین آن دولت را اجرا می‌کند.

پاسخ علمی کمونیستی هوشمندانه‌ای به چنین قتل عمدی در میدان مبارزه طبقاتی که خود ما زمان، مکان و تاکتیک آنرا تعیین می‌کنیم داده خواهد شد!

نکته‌ی چالشگرانه:

بر خلاف طرفداران گرایش راست اکونومیستی در جنبش کارگری، کارگر سرخ شاه‌رخ زمانی در کوران مبارزه عملی طبقاتی آبدیده شد و از اعماق جنبش توده‌ای کارگری پس از سالها جنگ طبقاتی قاطع و رادیکال توانست خود را به عنوان یکی از رهبران توانا در جنبش کارگری ایران تا سطح رهبری سیاسی-ایدئولوژیک آنت ارتقا دهد. شاه‌رخ زمانی مبارزی جدی و رادیکال بود که حرف و عملش با هم یکی بود... طی سالها تحقیق و تفحص شاه‌رخ به نکته‌ی حیاتی پی برد تا جایی که جان خویش را بر چنان آرمان کمونیستی اش گذارد:

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است...

برهان عظیمی از فعالین سابق سندیکای کارگران پروژه‌ای آبادان و حومه

۱۳ سپتامبر ۲۰۱۵



بر سینه ات نشست
زخم عمیق کاری دشمن
اما
ای سرو ایستاده نیفتادی
این رسم توست که ایستاده بمیری ...
در تو ترانه های خنجر و خون،
در تو پرندگان مهاجر،
در تو سرود فتح

بیانیه ۱۳۰

شاهرخ جرمش استقامت بی پایانی بود،

که در مقابل ظلم و ستم و بهره کشی طبقاتی داشت

و اسرار جنایت کاران جمهوری اسلامی را با دید طبقاتی افشا می کرد

به طرز مشکوکی شاهرخ
زمانی را گذشتند، وانمود می
کنند بر اثر سگته مرده است،
در برخی اخبار می گویند
سگته مغزی کرده است ولی



در برخی اخبار اعلام کرده اند سکنه قلبی بوده است ، در حالی که دستان و دهان او خونی بوده و سرش متورم شده است، فعالین کارگری و تشکل ها و دوستان شاهرخ می خواهند کالبد شکافی شود تا علت یا علل مرگ شاهرخ مشخص شود ولی نزدیکان او به هر دلیلی شاید بر اثر تهدیدها نمی خواهند کالبد شکافی صورت به گیرد ، با توجه به اینکه شاهرخ فعال کارگری و عضو سندیکای نقاشان و عضو کمیته پیگیری بوده و بدلیل فعالیت و مبارزات کارگری زندانی شده بود و همچنین به دلیل چنین مبارزه و استقامت کشته شده است این حق طبقه کارگر و تشکل های کارگری است که بخواهند عضوی از آنها پس از کشته شدن کالبد شکافی شود در این راستا ما از تمامی تشکل ها و سازمانهای مبارز کارگری و آزادیخواه می خواهیم جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند تا تحت نظر تشکل های جهانی کارگری جسد شاهرخ زمانی کالبد شکافی شده ، علت واقعی مرگ این فرزند مبارز طبقه کارگر مشخص شود و بدون شک به هر دلیلی باشد مسئولیت مرگ شاهرخ به عهده جمهوری اسلامی و جنایت کاران حاکم است، در این راستا تمامی فعالین و انقلابیون حق دارند از جانب کمیته حمایت از شاهرخ زمانی به صورت نماینده از نهاد ها و تشکل ها بخواهند اقدامات لازم را به عمل آورند و همچنین شاهرخ را عضوی از آن خود بدانید و اعتراضاتی را سازمان دهی کنند.

از تشکل های مستقل کارگری موجود در ایران می خواهیم نگذارند کشته شدن شاهرخ بدون هزینه برای جمهوری اسلامی باشد و این روال را ادامه بدهد، مرگ شاهرخ در ادامه کشته شدن افشین اسانلو ، دگمچی، کریمی خیر آبادی ، ستار بهشتی و ... است ما از تشکل های کارگری می خواهیم از هر طریق ممکن مرگ شاهرخ را به یک پرچم مبارزه برای خود تبدیل کنند و راه او را ادامه بدهندخواسته های او مشخص بود ایجاد تشکل های مستقل کارگری ، ایجاد فداراسیون سراسری ، ایجاد سازمان سیاسی انقلابی طبقه کارگر و ... و بر قراری حکومت دمکراتیک شورایی کارگران. جمهوری اسلامی هیچ زندانی سیاسی و کارگری را آزاد نکرده است بیشتر زندانیان را یا مستقیماً کشته است و یا به بیماریهای مختلف دچار کرده است، که بر اثر بیماری های فوق غیر مستقیم کشته است و اگر به هر دلیلی زندانی را نتوانسته از این دو طریق بکشد با نقشه های پنهانی یا بر اثر ضرب و شتم و زیر شکنجه کشته و مرگ او را بر اثر سکنه یا چیز دیگری طبیعی جلوه داده است . شاهرخ بیمار نبود و بدن سالمی داشت و حتی در مقابل پارازیت های شدیدی که به دستور سران حکومت اسلامی در اطراف سالن ۱۲ زندان گوهر دشت منتشر می شد مقاوم بود ، ما بار ها در بیانیه های خود اعلام کردیم جمهوری اسلامی شرایطی را در زندان ایجاد کرده است که زندانیان در حالت مرگ تدریجی قرار دارند ، و امروز مسئولین زندان و سربازان گمنام نتوانستند مقاومت و مبارزات شاهرخ را تحمل کنند و او را به مرگ تدریجی برسانند بنا براین به طرز مشکوکی او را زودتر کشتند. جمهوری اسلامی این حکومت جنایت کاران در سالگرد قتل عام ۱۳۶۷ زندانیان سیاسی شاهرخ

زمانی مبارز راه آزادی و برابری و راه رهای طبقه کارگر را به طرز مشکوک کشت.
شاهرخ با تمام توان خود در راه ارتقای مبارزات جنبش کارگری و جنبش کمونیستی تلاش کرد و تنها
دارایی خودش را که جانش بود در این راه تقدیم مبارزات طبقه کارگر کرد و مانند اسلاف خودش هم
چون کمونارد ها و مبارزانی فداکار و شجاع در طول تاریخ و بخصوص مبارزان و انقلابیونی که در
دهه شصت با قامتی راست در مقابل ارتجاع اسلامی ایستادند و قتل عام شدند اما زانو نزدند، شاهرخ
نیز در مقابل انواع مختلف شکنجه گران جمهوری اسلامی از سپاهی و امنیتی گرفته تا سربازان گمنام
مولتی میلیاردی روحانی - نظامی و کل نظام اسلامی دزد و اختلاس گر ایستاد و زانو نزد و در
راه آرمانهای طبقه کارگر جانش را فدا کرد تا مشعل فروزان یگری در راه دست یابی کارگران به
مطالباتشان و برقراری حکومت کارگری باشد.

مرگ شاهرخ را ضایعه ای برای جنبش کارگری و جنبش انقلابی می دانیم و این ضایعه را به
کارگران و انقلابیون ایران و جهان تسلیت می گوئیم و اعلام میداریم: شاهرخ شجاع و فداکار، شاهرخ
عزیز ما همه می خواهیم چون تو سر بلند باشیم و می خواهیم راه تو و رفقاییت را که از جان خود
دریغ نکردید ادامه بدهیم. ما از تشکل ها و فعالین کارگری و انقلابی داخل و خارج می خواهیم مراسم
های گسترده ای برای گرامی داشت شاهرخ و افشای جنایت کاران جمهوری اسلامی برگزار کنند.
ما از تشکل های جهانی کارگران می خواهیم برای کالبد شکافی شاهرخ فعالیت کنند.

پیش بسوی ایجاد فدراسیون سراسری کارگران

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۲۲/۶/۱۳۹۴

سکته مغزی و مرگ شاهرخ زمانی در زندان

امروز شاهرخ زمانی، کارگر زندانی در
زندان رجائی شهر پس از سکته مغزی در
زندان فوت کرد.
بنا بر اطلاع خبرگزاری هرانا، ارگان
مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، امروز
شاهرخ زمانی، کارگر زندانی در زندان
رجائی شهر که در پنجمین سال حبس بدون



مرخصی خود به سر می برد، به دلیل سکته مغزی در زمانی مابین صبح تا پیش از ظهر در زندان رجائی شهر کرج فوت کرد.

یک منبع مطلع در این ارتباط به خبرنگار هرانا گفت که روز جاری و پس از اینکه شاهرخ زمانی در هواخوری ظهر حضور پیدا نکرد، همبندی های او با حضور بر سر تخت این فعال کارگری متوجه شدند که ایشان در گذشته است. گفتنی است سکته مغزی، تشخیص اولیه بهداری زندان پس از انتقال ایشان به بهداری است.

هنوز از ترتیب تحویل پیکر این فعال کارگری به خانواده و مراسم تدفین او اطلاعی در دست نیست. شاهرخ زمانی در شهریور ماه ۱۳۹۳ اجازه حضور در مراسم ازدواج دخترش را پیدا نکرد و در بهمن ماه ۹۳ نیز این فعال کارگری نتوانست حتی برای مدتی کوتاه در خاکسپاری و تشییع مادرش حضور داشته باشد، این در حالی است که به دلیل دوری مسافت تبریز تا کرج وی امکان ملاقات مستمر با اعضای خانواده را نیز نداشت.

شاهرخ زمانی فعال کارگری و نقاش ساختمان آخرین بار چهاردهم خرداد ماه ۱۳۹۰ در تبریز بازداشت شد و مدت ۳۶ روز در سلول انفرادی نگهداری شد، به گفته منابع هرانا تاریخ بازداشت رسمی وی نوزدهم خرداد ماه قید شده که نشان دهنده این است که وی به مدت ۵ روز بدون هیچ حکم قضایی و کاملاً غیر قانونی بازداشت شده است. شعبه یک دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی حملبر، شاهرخ زمانی را به اتهام تبلیغ علیه نظام و تشکیل گروه به قصد بر هم زدن امنیت ملی به ۱۱ سال زندان محکوم کرد که این حکم عیناً در دادگاه تجدید نظر تأیید شد.

پس از پایان بازجویی ها در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۹۰ با قرار وثیقه ۲۰۲ میلیون تومانی از زندان مرکزی تبریز آزاد و پس از مدت کوتاهی در تاریخ ۲۴ دی ماه همراه با محمد جراحی در محل کارش دستگیر و برای اجرای حکم به زندان مرکزی تبریز منتقل شد.

در ابتدای ورود به زندان تبریز به طور غیر قانونی وی را بیش از یک ماه در بند قرنطینه ی زندان نگه داشتند، وی در اعتراض به این عمل مجدداً دست به اعتصاب غذا زد و پس از مدتی به بند مالی زندان تبریز منتقل شد. وی در طول مدت حبس خود در این زندان بارها از بندی به بند دیگر منتقل شده و مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در نهایت وی را به بند ۱۵ متادون که مخصوص معتادین بوده و به لحاظ بهداشتی نیز وضعیت نامساعدی دارد، منتقل کردند. بنا بر گزارش ها در این بند انواع بیماری های خطرناک مانند ایدز و هپاتیت شیوع گسترده ای دارد.

در تاریخ ۷ خرداد ماه ۱۳۹۱ وی را به طور غیر قانونی و بدون حکم قضایی با دست بند و پابند از زندان تبریز خارج کرده و به زندان یزد منتقل کردند. در هفدهم مردامه وی مجدداً به زندان تبریز بازگردانده شد و در نهایت در تاریخ ۲۲ مهر ماه به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد.

شاهرخ زمانی بار دیگر در تاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۹۲ از زندان رجایی شهر کرج به تبریز منتقل شده و در شعبه ۲ دادگاه انقلاب تبریز به اتهام توهین به رهبری محاکمه و متعاقبا به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری دیگر محکوم شد.

این کارگر زندانی در روز ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۲ به زندان قزلحصار کرج انتقال یافت و در اعتراض به این انتقال دست به اعتصاب غذا زد. پس از اعتصاب غذا مسولان وی را مجددا در تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۳ به زندان رجایی شهر کرج منتقل کردند.

این فعال کارگری پیش از این نیز در سال ۱۳۷۲ به اتهام فعالیت غیر علنی در سندیکای نقاشان بازداشت شده و حدود ۱۸ ماه زندانی شده بود.

شاهرخ زمانی عضو هیات مدیره کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاشان، در بند سیاسی زندان رجایی شهر کرج پنجمین سال حبس بدون مرخصی خود را سپری می کرد.

دوستان سلام

هنوز برای انتشار نیست!

خبر دردناک درگذشت شاهرخ را همه ما دریافت کرده ایم. این واقعه نه جزئی است و نه فراموش شدنی حداقل واکنش ما اعتراض جمعی و علنی است
متن فراخوان کوتاه تهیه شده است.
پیشنهادات تکمیلی و حمایتی خود را به همین ادرس بفرستید
متن ترجمه و ارسال خواهد شد. متن فراخوان همراه با اسامی اولیه فردا شب منتشر خواهد شد.
موفق باشید

بهر روز

.....

به افکار عمومی جهانیان، به نهادهای دموکراتیک و مدافع حقوق بشر و حامی زندانیان سیاسی! شاهرخ زمانی فعال کارگری در بند در زندان رجایی شهر درگذشت. علت مرگ او سکتة مغزی عنوان شده است حال آنکه مرگ زندانیان سیاسی و فعالان کارگری در زندان های جمهوری اسلامی از جمله اتفاقات مکرر می باشد. علت مرگ مشکوک افشین اسانلو در سال 2013 حمله قلبی اعلام شد و هم اکنون گفته می شود که شاهرخ زمانی فعال کارگری شناخته شده دچار سکتة مغزی شده است. این وقایع اما در میان افکار عمومی ایرانیان جای تردید بسیار باقی گذاشته است. حکومتی که برای فعالان کارگری در بند و زندانیان سیاسی هیچگونه حقی را برسمیت نمی شناسد و بی توجه به اعتراضات گسترده جهانیان و

اتحادیه ها و سندیکاهای متشکل بین المللی است، میتواند سناریو مرگ و نابودی مخالفان خود را در زندانها طراحی کرده و به مرحله اجرا بگذارد. مرگ تدریجی فعالان کارگری و زندانیان سیاسی در زندانها و بی حقوقی مطلق آنها در جمهوری اسلامی از سوی ما فعالان سیاسی و فرهنگی بارها مورد اعتراض قرار گرفته و افکار عمومی را مخاطب قرار داده است. شاهرخ زمانی در سال 1390 دستگیر و تا لحظه مرگ خود تحت فشار مسولان زندانهای متعدد کشور قرار گرفته بود و بارها به زندانهای دیگر کشور تبعید شده بود. بر طبق گفته های یکی از همبندی های سابق اش شاهرخ هر روز با بی هوشی لحظه ای روبرو بوده است اما هیچگونه توجهی به سلامت وی از سوی مسولان زندان نشده است. ما فعالان سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی را مسؤل مستقیم مرگ فعالان کارگری همانند افشین اسانلو و شاهرخ زمانی میدانیم. ما نهادهای حساس به مبارزات کارگران و مدافع حقوق دموکراتیک و بشر را مخاطب قرار داده و خواستار اعتراض گسترده همگانی به حکومت

1 بیانیه‌ی ششمین گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران: ما جمهوری اسلامی را مسئول مرگ شاهرخ زمانی در زندان می‌دانیم!-

BY [EDITOR](#) · SEPTEMBER 13, 2015



بر پایه‌ی اخبار رسیده از ایران، با اندوه فراوان اطلاع یافتیم که شاهرخ زمانی، زندانی سیاسی، و از اعضای هیات مؤسس سندیکای کارگران نقاش، به دنبال بیماری شدید و عدم رسیدگی‌های پزشکی مقامات زندان جان باخته است.

برگزارکنندگان و حاضرین در ششمین گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران ضمن ابراز تسلیت و همدردی با خانواده شاهرخ زمانی و کمیته حمایت از شاهرخ زمانی حاکمیت جمهوری اسلامی را عامل این قتل می‌شناسند و قویاً این جنایت عامدانه دگرباره رژیم جنایت پیشه‌ی جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند. شاهرخ زمانی خود از پیش این جنایت را پیش‌بینی میکرد «آقای رئیس جمهور، جناب دادستان و رئیس زندان رجائی شهر هدف شما نابودی و قتل عام 250 انسان، به مرگ تدریجی در گورستان رجائی شهر است تا مردم را از نمایندگان واقعی خود در رسیدن به اهداف خود محروم کنید».

اخبار و گزارشات کارگری 24 شهریور 1394 (همراه با ضمیمه وبژه مرگ ناگهانی شاهرخ زمانی)
- کارگران کارخانه لوله گستر اسفراین در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوقشان از دیروز در اعتصاب غذا هستند

- تجمع اعتراضی جوانان سیراف پس از تشییع جنازه کارگر جوان جان باخته شهرداری درحین کار
- ادامه تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کشتارگاه مقابل شورای شهر اهواز همزمان با انتخاب رئیس جدید شورای شهر!

- گزارش دیدار جمعی از معلمان ایران با خانواده رسول بدایق
- تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی مازندران

- عدم پرداخت حقوق 80 کارگر سدنتنگ سرخ یاسوج بعد از هشت ماه
- اعتراض به اخراج 30 کارگر شرکتی آب منطقه ای استان اصفهان

- قطع بیمه اجتماعی تاکسی رانان به دلیل عدم پرداخت حق بیمه سهم کارفرماست از طرف دولت!
- تعطیلی تعدادی از واحدهای قطعه‌سازی در پی کاهش تولید خودرو در یک ماه اخیر

- بازدید دیر هنگام هیات دولتی از کارخانه تولیدی تهران

- برای پنجمین سال متوالی مزایای مزدی کارگران قراردادی پالایشگاه پارسیان ثابت ماند

- مرگ ده ها پناهجو در پی غرق شدن قایق حامل آنها در آبهای ترکیه

کارگران کارخانه لوله گستر اسفراین در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوقشان از دیروز در اعتصاب غذا هستند

کارگران کارخانه لوله گستر اسفراین از روز گذشته در اعتراض به تعویق سه ماه حقوق ۶۵۰ کارگر این کارخانه دست به اعتصاب غذا زده اند.

به گزارش 24 شهریور ترک نیوز، یکی از کارگران کارخانه لوله گستر اسفراین بابت این خبر افزود: محصولات تولیدی این کارخانه توسط شرکت نفت خریداری شده است اما این شرکت پول محصولات را پرداخت نکرده و کارفرما در پرداخت حقوق کارکنان به مشکل خورده است.

وی اضافه کرد هم اکنون 650 تا 700 نفر در کارخانه لوله گستر اسفراین مشغول به فعالیت هستند که به دلیل تعویق چند ماهه در دریافت حقوق خود با مشکل روبرو شده اند.

شرکت لوله گستر اسفراین در مساحتی بالغ بر 210 هکتار ساخته شده است، که 85000 متر مربع آن سالن های تولیدی و 11500 متر مربع آن را نیز ساختمان های اداری و رفاهی در بر گرفته است.

این شرکت به عنوان تنها تولید کننده لوله های فولادی بدون درز در استان خراسان شمالی در شهر اسفراین و در مجاورت مجتمع صنعتی اسفراین واقع شده است.

در حالی که مجاورت این کارخانه با مجتمع صنعتی اسفراین یکی از نقاط قوت محسوب می شد چراکه مجتمع صنعتی اسفراین بعنوان تنها تولید کننده شمشهای فولادی و سوپرآلیاژی در کشور بود که خوراک لوله گستر را تامین می کرد پس از رکودی که دامنگیر صنعت کشور شد، تولید شمش مجتمع فولاد اسفراین نیز کاهش یافت و تبع آن لوله گستر اسفراین هم برای تولید محصولات خود به مشکل خورد و هم اکنون بخشی از خط تولید این کارخانه با مشکل مواجه شده است.

تجمع اعتراضی جوانان سیراف پس از تشییع جنازه کارگر جوان جان باخته شهرداری درحین کار

در پی درگذشت امجدی کارگر جوان شهرداری بندر سیراف به دلیل برق گرفتگی و کمبود امکانات پزشکی در محل درمانگاه این شهر، بعد از ظهر روز گذشته پس از تشییع و خاکسپاری نامبرده، جمعی از جوانان سیرافی در اعتراض به کمبود شدید امکانات برای درمانگاه، در درمانگاه بندر سیراف تجمع کردند.

به گزارش 24 شهریور ثلاث، در این تجمع جوانان سیرافی موضوع فقدان و کمبود برخی امکانات درمانگاه را به گوش مسئولین شهر رساندند.

علاوه بر کمبود شدید امکانات درمانی، موضوع شبانه روزی نبودن درمانگاه نیز از جمله اعتراضات و گلایه های سیرافی ها بود.

در پایان این جلسه طی صورتجلسه ای که بین شهردار و شورای اسلامی و همچنین رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان کنگان به امضا رسید، متعهد شدند ظرف مدت یکماه یعنی تا پایان مهر ماه، درمانگاه بندر سیراف شبانه روزی گردد و همچنین حداقل وسایل پزشکی و نیروی انسانی مورد نیاز جهت شبانه روزی شدن درمانگاه مهیا گردد.

براساس این گزارش، طی این صورتجلسه قرار شد، شورا و شهرداری، مبلغی در حدود پنجاه میلیون تومان بابت خرید وسایل پزشکی در اختیار درمانگاه قرار دهد. از طرفی دیگر رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان نیز متعهد شد تا درمانگاه سیراف را ظرف مدت یک ماه آینده با اضافه کردن یک پزشک و یک تکنسین، به درمانگاه شبانه روزی تغییر دهد؛ آمبولانس درمانگاه نیز تجهیز شود. بخشی از درخواست سیرافی ها به شرح زیر است:

۱- تعداد کافی پزشک با تجربه جهت شبانه روزی شدن درمانگاه (جهت شیفت شب و شیفت روز)
۲- تعداد نیروی کافی جهت کار در دو شیفت (نیروهای شامل حسابدار، خدمات، راننده آمبولانس ، نگهبان ، پرستاران، داروخانه و ... طبق چارت فعلی درمانگاه ، جهت شیفت شب نیز نیروی کافی بکار گیری گردد)

۳- مجهز کردن اورژانس درمانگاه به دستگاه های پزشکی از قبیل دستگاه تنفس، دستگاه ساکشن، دستگاه شوک و سایر دستگاه های پزشکی که برای یک واحد اورژانس ضروری است.

۴ (-تجهیز وسایل پزشکی برای آمبولانس درمانگاه و همچنین سرویس موتوری آمبولانس که قدرت جابجا شدن لااقل خودش داشته باشد!

ادامه تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کشتارگاه مقابل شورای شهر اهواز همزمان با انتخاب رئیس جدید شورای شهر!

کارگران کشتارگاه سنتی که در مردادماه امسال به بهانه تغییر کاربری کشتارگاه سنتی به صنعتی از کار خود اخراج شده بودند در روز انتخابات هیئت رئیسه سومین شورای شهر اهواز مقابل این نهاد شهری تجمع کردند.

به گزارش 24 شهریورتسنیم ، صدویکمین جلسه علنی شورای شهر اهواز به منظور تعیین هیئت رئیسه سومین دوره شورای شهر اهواز برگزار شد.

پیش از شروع فرآیند رای گیری کارگران کشتارگاه سنتی اهواز در اعتراض به اخراج خود و عدم پاسخگویی مسئولان مربوطه درباره سرنوشت اشتغال آنان روبروی این نهاد شهری تجمع کرده و شعارهایی مبنی بر پیگیری نهادهای مسئول و اعضای شورای شهر اهواز برای اشتغالشان دادند.

گزارش دیدار جمعی از معلمان ایران با خانواده رسول بدایق

روز دوشنبه 23 شهریور 94، شماری از معلمان ایران با حضور در منزل معلم زندانی ، رسول بدایق ، با خانواده ایشان دیدار نمودند.

در این دیدار ابتدا خانم علیزاده همسر معلم زندانی آخرین وضعیت رسول را تشریح نمودند. در این دیدار که در آستانه شروع سال تحصیلی و به منظور حمایت و اعلام همبستگی با خانواده معلمان دربند انجام گرفت. خانم علیزاده ضمن تشکر از پیگیری و حمایت معلمان گفتند که رسول بخاطر پرونده جدید هفته گذشته در دادگاه حاضر شده است و به اتفاق وکیل از خود دفاع کرده است و ما امیدواریم تا پیش از شروع سال تحصیلی با توجه به اتمام زمان حکم در 13 مرداد، آقای بدایق از زندان آزاد شود. خانم بدایق همچنین با تاکید بر بی اساس بودن پرونده جدید با توجه به فعالیت های صنفی رسول در گذشته بر این نکته تاکید کردند که آقای بدایق دغدغه اش مسئله صنفی معلمان و مسایل آموزشی بوده و هست من به عنوان مادر دو دانش آموز امروز وقتی به مدرسه دخترانم می روم با مشکلات و مسایلی روبرو می گردم که دغدغه رسول نیز بوده است و همین مسئله باعث شده است که من و دخترانم این سال های سخت را با امید به بهتر شدن شرایط تحمل نمایم در اصل ما از آقای بدایق و اهداف انسانی و صنفی اش برای بهتر شدن اوضاع و تحمل این سال ها انرژی می گیریم و الان هم به آزادی وی امیدوار هستیم چرا که ادامه بازداشت وی توجیهی ندارد. ما در دیدار با وزیر هم بر این نکته تاکید کرده ایم.

معلمان حاضر نیز با تاکید بر حقوق قانونی و انسانی رسول بدایق و خانواده وی ضمن اظهار همبستگی و حمایت از معلمان زندانی، نسبت به ادامه بازداشت همکار خود اظهار نگرانی کردند و از صبر و استقامت همسران و فرزندان معلمان دربند تقدیر نمودند و تاکید کردند از انجایی که این فعالان بخاطر بهبود وضعیت معلمان و آموزش در زندان هستند وظیفه خود و سایر معلمان می دانند که به هر نحو ممکن پیگیر آزادی معلمان باشند.

در این دیدار شکیبا و ستایش دختران دوقلوی رسول بدایق، که در هنگام دستگیری رسول دو ساله بودند و امسال در پایه سوم ابتدایی ثبت نام کرده اند، نقاشی های زیبایی خود را که برای نشان دادن به پدر خود طراحی کرده اند را به مهمانان نشان دادند و از سوی حاضران مورد تشویق قرار گرفتند.

لازم به ذکر است رسول بدایق در 10 شهریور 88 بازداشت شد و 13 مرداد روزی بود که رسول با اتمام دوران محکومیت 6 ساله باید آزاد می شد اما تاکنون در بند دو الف به صورت بازداشت موقت نگهداری می گردد. بجز رسول بدایق هم اکنون مهدی بهلولی، محمدرضا نیک نژاد و محمود بهشتی، سه معلم بازداشتی در شهریور ماه در این بند امنیتی در بازداشت موقت به سر می برند. همچنین اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان در زندان اوین در انتظار تشکیل دادگاه و علی اکبر باغانی نایب رییس کانون صنفی معلمان در زندان رجایی شهر در حال طی کردن دوران محکومیت خود می باشند.

معلمان ایران و فعالان صنفی امیدوارند پیش از بازگشایی مدارس معلمان زندانی آزاد گردند.

کمیته اطلاع رسانی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

منبع: حقوق معلم و کارگر

تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی مازندران

مربیان پیش دبستانی مدارس مازندران در اعتراض به اجرا نشدن قانون پرداخت حقوق وساماندهی آنان در مازندران دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش 24 شهریور تابناک، معترضین که تعداد آنان به یکصد تن بالغ میشود از ساعت 11 صبح امروز در نمازخانه اداره کل آموزش و پرورش مازندران گرد هم آمده اند و به تجمع خود ادامه داده اند.

یکی از مربیان با اشاره به مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی و تایید آن در دولت گفته با ابلاغ این قانون به وزارت آموزش و پرورش این وزارتخانه به ادارات کل تابعه خود در سراسر کشور ابلاغ کرده است که بر اساس نیاز استان های مختلف نسبت به ساماندهی این مربیان و معلمان حق التدریس اقدام کنند. اما اداره کل آموزش و پرورش مازندران در پاسخ به این بخشنامه وزارتخانه اعلام عدم نیاز کرده است. در صورتی که در حال حاضر تعداد زیادی از همکاران من با حقوق ماهیانه دویست هزار تومان و بیمه پانزده روز در ماه در مدارس نسبت به تدریس پایه پیش دبستانی فعالیت دارند.

وی افزود، مدیران آموزش و پرورش مازندران با گذشت چند ساعت از حضور ما هنوز اقدامی نکرده اند و سیدعلی قاسمی مدیر کل آموزش و پرورش استان هم که دو مرتبه خبر حضور وی به ما داده شد در نهایت به دلیل خستگی هنوز به نمازخانه نیامده است. اما حضور ما تا زمان رسیدگی قانونی به مشکلات همچنان ادامه خواهد داشت.

عدم پرداخت حقوق 80 کارگر سدنتگ سرخ یاسوج بعد از هشت ماه

مدیرعامل آب منطقه ای کهگیلویه و بویراحمد از پرداخت نشدن حقوق حدود 80 کارگر سدنتگ سرخ بویراحمد بعد از هشت ماه خبر داد.

به گزارش 24 شهریور ایلنا، علی لطفی گفت: متأسفانه دلیل نبود اعتبار، حدود هشت ماه است که حقوق 80 کارگر سدنتگ سرخ بویراحمد پرداخت نشده است.

وی اظهار کرد: باوجود تمامی رایزنی ها و پیگیری ها، اعتباری برای پرداخت حقوق و مطالبات این کارگران از سوی پیمانکار و خزانه مرکزی تخصیص داده نشد.

مدیرعامل آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد افزود: برای راضی نگه داشتن کارگران سدتنگ سرخ مجبور شدیم که اعتباری معادل یکماه حقوق کارگران این سد بطور علی الحساب به پیمانکار پرداخت کنیم.

لطفی، میزان مطالبات کارگران سدتنگ سرخ بویراحمد را حدود ۱۰ میلیارد ریال عنوان و گفت: شرایط نگران کننده‌ای در این زمینه داریم و باید منتظر آینده بود.

وی افزود: از ابتدای سال جاری تاکنون هیچگونه اعتباری از سوی خزانه به اداره کل امور آب کهگیلویه و بویراحمد هم در زمینه حقوق کارگران سدتنگ سرخ بویراحمد و هم در ارتباط با پروژه‌های عمرانی پرداخت نشده است.

مدیرعامل آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد گفت: بیمه کارگران سدتنگ سرخ بویراحمد توسط پیمانکار پرداخت می‌شود اما حقوق پرداخت نمی‌شود.

اعتراض به اخراج 30 کارگر شرکتی آب منطقه ای استان اصفهان

یکی از مخاطبان در اعتراض به تغییرات ترکیب نیروی انسانی و اخراج جمعی از پرسنل شرکتی یکی از شرکتهای عمومی اعتراض کرده است و این شرکت نیز در پاسخ اعلام کرد مسئولیتی در مقابل پرسنل شرکتهای خصوصی ندارد.

به گزارش 24 شهریورخبرآنلاین، یکی از خوانندگان سرویس مشکلات مردم درباره بیکار شدن تعدادی از نیروهای شرکت آب منطقه ای استان اصفهان، کابنتی گذاشته و با اعتراض به جابه جایی های صورت گرفته، انتقاد خود را نسبت به این موضوع اعلام کرده است.

او در این باره نوشته: چرا شرکت آب منطقه ای اصفهان اقدام به اخراج نیروهای شرکتی گروه گشت و بازرسی کرد به بهانه ها و ایراد تهمت های ناروا... حدود 30 نفر نیروهایی با سوابق بالای 5 سال و متخصص رو نون شون رو برید ...بعد از آن هم استخدام 35 نفر از اقوام و آشنایان محترم را به سرعت انجام داد بی سروصدا... آیا با اخراج و نون بری مردم مشکلات اقتصادی حل میشود؟ این مصداق ظلم نیست؟ آیا کسی که با ناهنجاری و پارتی بازی و نداشتن تخصص لازم استخدام میشود.. میتواند به رفع مشکلات و پیشرفت کشور کمک کند یا به فساد دامن میزند و همان شخص منابع مالی را حیف و میل میکند ..و این اتفاق در زمانی رقم خورد که انتقال ریاست جمهوری صورت میگرفت. در ارتباط با همین موضوع طی تماسی با روابط عمومی شرکت آب منطقه ای استان اصفهان مسئله را مطرح کردیم. روابط عمومی این شرکت اعلام کرد: نیروهای انسانی عضو بخش گشت و بازرسی، از بخش تعادل بخشی هستند و ارتباط استخدامی با شرکت آب منطقه ای ندارند. چون آنها قرارداد کاری شان با شرکت خصوصی طرف قرارداد شرکت آب منطقه ای است. این شرکتها نیز تا زمانی که به نیروها نیاز دارند و با آنها قرارداد کاری دارند، آنها را استخدام می کنند و در صورتی که به نیروی انسانی مازاد بر بخورند، اقدام به تعدیل نیرو می کنند و این مسایل ارتباطی با شرکت آب منطقه ای ندارد.

همچنین روابط عمومی شرکت آب منطقه ای استان اصفهان اعلام کرد: طبیعی است تا زمانی که گشت و بازرسی از منابع آبی و حفاظت از پروژه ها و منابع نیاز باشد، کارکنان مزبور با شرکتهای خصوصی قرارداد خواهند داشت و زمانی که نیاز به این مسئله نباشد، شرکت خصوصی اقدام به تعدیل نیرو می کند که طبعاً پاسخگوی این مسایل، شرکت آب منطقه ای نیست.

قطع بیمه اجتماعی تاکسی رانان به دلیل عدم پرداخت حق بیمه سهم کارفرماست از طرف دولت!

یکی از مسایلی که امروز به عنوان مشکلات مردم در نشست خبری سخنگوی دولت بیان شد، مسئله قطع بیمه اجتماعی تاکسی رانان بود.

به گزارش 24 شهریورخبرآنلاین، موضوع قطع بیمه تامین اجتماعی رانندگان تاکسی که گفته می شود به دلیل عدم پرداخت حق بیمه سهم کارفرماست که تکلیف دولت بوده، در نشست امروز محمداقرب نوبخت، سخنگوی دولت مورد سؤال قرار گرفت.

نوبخت، سخنگوی دولت در این باره گفت: در ارتباط با حق بیمه تاکسی رانان، سازمان تامین اجتماعی باید در این زمینه اقدام می کند.

او توضیح داد: اینطور نیست که هر ماه باید حق بیمه از سوی دولت به این سازمان داده شود. معمولاً حسابداری بین دولت و تامین اجتماعی است و این سازمان باید تعهدات خود را دنبال کند و من در این رابطه پیگیری می‌کنم.

تعطیلی تعدادی از واحدهای قطعه‌سازی در پی کاهش تولید خودرو در یک ماه اخیر

دبیر انجمن قطعه سازان با بیان اینکه در حال حاضر واحدهای قطعه سازی با ۵۰ درصد ظرفیت به فعالیت می‌پردازند، گفت: کاهش حجم تولید خودرو در یک ماه اخیر باعث شده، برخی واحدهای قطعه سازی که در تامین نقدینگی خود با مشکل روبه رو بودند تعطیل شوند.

به گزارش 24 شهریور تسنیم، ساسان قربانی با اشاره به اینکه وضعیت واحدهای قطعه سازی کشور ارتباط نزدیکی با صنعت خودروسازی دارد، اظهار داشت: طی یک ماهه اخیر تولید شرکت های خودروسازی به دلایل مختلفی از جمله برنامه ریزی شرکت‌ها و انتظار مردم از کاهش قیمت خودرو نسبت به ماه‌های گذشته کاهش داشته است که همین موضوع بر فعالیت شرکت‌های قطعه ساز و افزایش مطالبات آنها تأثیر گذاشته است.

وی با بیان اینکه در حال حاضر واحدهای قطعه سازی با 50 درصد ظرفیت به فعالیت می‌پردازند، افزود: کاهش حجم تولید خودرو باعث شده تا برخی از واحدهای تولیدی که در تامین نقدینگی خود با مشکل روبه رو بودند تعطیل شوند.

دبیر انجمن قطعه سازان اضافه کرد: اساساً سفارش‌گیری واحدهای قطعه ساز از شرکت‌های خودروساز به صورت ماهانه، هفتگی و روزانه است که طی ماه‌های اخیر بسیار کاهش یافته است. قربانی بزرگترین مشکل فعلی واحدهای قطعه ساز را کمبود نقدینگی عنوان کرد و گفت: متأسفانه هزینه اصلی کاهش حجم تولید واحدها را در آینده جامعه پرداخت می‌کند.

وی در ادامه به سفر هیأت‌های اقتصادی فرانسوی به کشور اشاره کرد و افزود: قرار است هفته آینده یک هیأت اقتصادی متشکل از کل صنایع فرانسه به ایران سفر کنند البته بعد از این سفر یک هیأت فرانسوی از قطعه سازان و خودروسازان هم به ایران سفر خواهند کرد.

بازدید دیرهنگام هیأت دولتی از کارخانه تولیدی تهران

پس آنکه تمامی کارگران قراردادی کارخانه تولیدی تهران از روی ناچاری به پیشنهاد بازرخریدی اجباری کارفرما تن‌دادند؛ سرانجام روز گذشته هیأتی از نمایندگان استانداری، فرمانداری و ادارات صنعت و کار استان تهران از این واحد تعطیل شده بازدید کردند.

به گزارش 24 شهریور ایلنا، یکی از کارگران این واحد تولیدکننده چرم مصنوعی با اعلام این خبر گفت: اعضای هیأت مذکور زمانی برای بازدید از کارخانه آمدند که از جمعیت ۱۶۰ نفری کارگران تولیدی تهران به غیر از ۴۳ کارگر چیزی باقی‌مانده است.

به گفته این کارگر در جریان این بازدید اعضای هیأت مورد نظر از مدیریت کارخانه تولیدی تهران علت تعطیلی این واحد تولیدی را جویا می‌شوند که در پاسخ کارفرما دلیل این تصمیم را بالابودن بهای مواد اولیه عنوان می‌کند.

وی بابیان اینکه اگر هیأت یاد شده زودتر از این‌ها برای بازدید از کارخانه تولیدی تهران آمده بودند امروز کارگران قراردادی مجبور به قبول پیشنهاد بازرخریدی اجباری کارفرما نبودند، ادامه داد: مدیریت تولیدی تهران در حالی گران بودن مواد اولیه را دلیل تعطیلی کارخانه عنوان کرده است که در شرایط فعلی بهای مواد اولیه ارزان‌تر از هر زمان دیگری است.

وی بابیان اینکه نمی‌دانیم مراجعه دیرهنگام روز گذشته مسئولان دولتی چه تاثیری بر آتیه شغلی کارگران باقیمانده تولیدی تهران دارد، افزود: در حال حاضر به غیر از ۲۰ کارگر رسمی، ۱۸ نگرهبان و ۵ انباردار هیچ‌کارگری در تولیدی تهران حضور ندارد.

این کارگر تولیدی تهران بابیان اینکه روز گذشته (دوشنبه، بیست و سوم شهریور) آخرین بخش از سنوات ۱۴۰ کارگر قراردادی این واحد صنعتی به حساب آن‌ها واریز شد، یادآور شد: از روز شنبه ۱۴ شهریور ماه درهای این واحد صنعتی به روی کارگران بسته است.

به گفته این کارگر مدیریت جدید کارخانه تولیدی تهران در راستای تصمیم قبلی خود مبنی بر تعطیل کردن این واحد تولیدی تا ابتدای مهرماه بابت همه مطالبات معوقه، جاری و پیش‌روی کارگران با آن‌ها تسویه حساب کرده‌است.

وی بابیان اینکه از امروز باقیمانده کارگران کارخانه تولیدی تهران در بارگیری موجودی انبار مواد اولیه و محصولات تولید شده مشارکت دارند، افزود: جدا از این شنیده می‌شود که قرار است دستگاه‌های این واحد تولیدی به کارگاه دیگری که در منطقه چرم شهر ورامین قرار دارد منتقل شود. در رابطه با وضعیتی که برای کارگران کارخانه تولیدی تهران، یکی از فعالان کارگری منطقه غرب تهران گفت: در سالهای گذشته به دلیل اشتباهات مدیریتی بسیاری از کارگران شغل خود را از دست داده‌اند.

نماینده کارگران کارخانه کاشی ایرانا گفت: این روزها شاهد تعطیلی کارخانجات فراوانی هستیم که با به دلیل عدم آگاهی مدیر به ورطه ورشکستگی کشیده می‌شود و بعد به بهانه زیان ده بودن کارخانه آنرا منحل کرده و زمین‌های آن را به فروش می‌رسانند.

وی گفت: این عمل مانند شیوع بیماری همه گیر شده و ما شاهد هستیم که روز به روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود و کارگران کارخانه پس از سال‌ها خدمت بنا به میل کارفرمایانی که دیگر تمایلی به ادامه فعالیت تولیدی ندارد به خیل عظیم بیکاران در جامعه افزوده می‌شوند.

وی اظهار کرد: دولت باید کنترل و نظارت خود را با جدیت بکاربندد و بخش خصوصی را بیشتر در امر تولید وارد کند زیرا با توجه به جمعیت عظیم بیکاران در کشور دولت باید در حفظ مشاغل کنونی بکوشد و بجای نابودی مشاغل فعال زمینه را برای ایجاد مشاغل جدید فراهم کند.

این فعال کارگری افزود: دولت باید نظارت بیشتری بر عملکرد کارخانجات داشته باشد تا اگر کارخانه‌ای که دولتی است، ورشکست شد یا مدیران آن توانایی فعالیت را ندارند حداقل باعث نابودی اقتصاد کشور و بیکاری کارگران نشوند.

وی افزود: اگر روند تولید داخلی متوقف شود و زمین‌های کارخانه‌ها بفروش برسد به سرمایه ملی لطمه جبران ناپذیری وارد می‌شود که جبران آن گاهی غیر ممکن است.

این فعال کارگری تصریح کرد: اگر امروز کارخانجات و واحدهای تولیدات داخلی را درنیابیم بعدها مجبور به وارد کردن همان محصولات هستیم که اکنون در کشور توانایی تولیدشان را داریم و با این کار به خروج ارز از کشور و وابستگی اقتصادی که منجر به وابستگی فرهنگی و استعمار کشور توسط بیگانگان دامن زده‌ایم.

برای پنجمین سال متوالی مزایای مزدی کارگران قراردادی پالایشگاه پارسین ثابت ماند

کارگرانی که در پالایشگاه گازی پارسین وضعیت استخدامی آن‌ها از حالت پیمانکاری به قراردادی تبدیل شده است می‌گویند در پنج سال گذشته ارزش ریالی برخی از مزایای مزدی آن‌ها ثابت مانده است.

به گزارش 24 شهرپورایلنا، یکی از کارگران قراردادی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی (پالایشگاه گاز پارسین) با اعلام این خبر گفت: در سال ۹۰ تسط دولت وقت طرحی به اجرا درآمد که بر اساس آن کارگران پیمانکاری شاغل در دستگاه‌های دولتی بصورت مستقیم با دستگاه دولتی مربوطه قرارداد کار موقت امضا کردند.

وی در ادامه براین اساس همان سال قرارداد کاری نزدیک به ۶۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری پالایشگاه گازی پارسین تبدیل وضعیت شد اما از آن سال تاکنون بخشی از مزایای مزدی آن‌ها ثابت مانده است.

به گفته این کارگر قراردادی پالایشگاه گازی پارسین هرچند در آغاز هر سال دستمزد او سایر همکارانش براساس بخشنامه ابلاغی شورای عالی کار افزایش می‌یابد اما در تمامی این سال‌ها ارزش نقدی مزایایی که بابت بدی آب و هوا، حق مسافت، ایاب و ذهاب، حق جذب به آن‌ها تعلق می‌گرفت ثابت مانده است.

به ادعای او وضعیت پیش آمده در حالی است که در تمامی پنج سال گذشته ارزش ریالی مزایای مورد نظر در مورد سایر کارگرانی که بصورت رسمی و پیمانکاری در استخدام پالایشگاه گازی پارسیان هستند افزایش یافته است.

طبق اظهارات این کارمند پالایشگاه به دلیل ممنوعیت جذب و استخدام در مجموعه شرکت نفت ایران، به دستور وزارت نفت و زیر نظر پالایشگاه قراردادهای این بخش از کارکنان در سال ۱۳۹۰ پس از تبدیل وضعیت به صورت یک ساله تمدید می شود.

وی افزود: مشاهده این که حقوق دریافتی یک کارشناس با دریافتی یک کارگر ساده برابر است، از انگیزه این دست از کارکنان کاسته است، بطوری که از سال ۱۳۹۰ که قانون تبدیل وضعیت اجرا شد و بسیاری از کارکنان از وضعیت پیمانکاری به قرارداد موقت تغییر وضعیت دادند اجرای این رویه پرداختی اعتراضات کارکنان را در پی داشته است.

وی ادامه داد: کارکنان قرارداد موقت طی شکایت نامه ای مراتب اعتراض و رفع تبعیض را به وزارت نفت و ستاد گاز اعلام کردند که در نهایت به تشکیل «کارگروه بررسی وضعیت» منجر شد. این کارمند پالایشگاه شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی گفت: تنها دستاورد جلسات این کارگروه از سال ۱۳۹۰ پرداخت «حق بدی آب و هوا» بوده که با عنوان «فوق العاده ترمیمی» به صورت ثابت و بدون افزایش سالیانه هر ساله پرداخت می شود.

مرگ ده ها پناهجو در پی غرق شدن قایق حامل آنها در آبهای ترکیه

غرق شدن یک قایق حامل گروهی از پناهجویان در جنوب غرب آبهای ترکیه در نزدیکی یکی از جزایر یونان، مرگ دستکم ۲۲ تن از جمله ۴ کودک را در پی داشت.

به گزارش 15 سپتامبر یورونیوز، نیروهای گارد ساحلی ترکیه می گویند، موفق شده اند ۲۱۱ سرنشین این قایق را نجات دهند و جستجو برای یافتن سرنشینان ناپدیده شده این قایق نیز ادامه دارد.

یکی از پناهجویان می گوید: «شنیده ایم که مرزها را بسته اند اما ما انتخاب دیگری نداریم. باید این راه را برویم و یا برگردیم به جایی که مرگ در انتظار ما است».

سازمان ملل متحد روز سه شنبه از شکست وزرای اتحادیه اروپا برای تصمیم گیری درباره سهمیه بندی پناهجویان ابراز «تأسف عمیق» کرد.

وزرای کشورهای اتحادیه اروپا در نشستی در بروکسل، نتوانسته اند در مورد تقسیم و جابجایی ۱۲۰ هزار پناهجو براساس سهمیه بندی اجباری به اجماع برسند و قرار شد نشستی دیگر در ماه اکتبر برگزار شود.

به گزارش کمیساریایی عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، طی ۵ ماه نخست سال جاری بیش از ۴۲ هزار پناهجو از طریق دریا خود را به یونان رسانده اند.

بیست چهارم شهریورماه 1394

akhbarkargari2468@gmail.com

اطلاعیه

جمعی از کمونیست های ایران (آذرخش): مرگ شاهرخ زمانی برگی دیگر از جنایات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی

دوشنبه، ۲۳ ام شهریور، ۱۳۹۴

مرگ رفیق شاهرخ زمانی، این کارگر انقلابی بی باک و آگاه، در یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ در زندان رجایی شهر کرج، اندوهی عمیق بر جان مدافعان مبارزه طبقة کارگر نشانده است. بی تردید عامل اصلی مرگ این رفیق، رژیم دمدنش و قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران است.

شاهرخ زمانی، آخرین بار، در ۱۴ خرداد ۱۳۹۰ در تبریز بازداشت شد و در دادگاه فرمایشی رژیم به ۱۱ سال زندان محکوم گردید. «جرم» شاهرخ زمانی، دفاع از حقوق کارگران، مبارزه برای ایجاد سندیکای مستقل کارگری، دعوت از کارگران برای

ایستادن در مقابل طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری، افشای همه جانبه سیاست های ضد کارگری رژیم خونخوار حاکم و تأکید بر این حقیقت بزرگ بود که کارگران توانائی تغییر انقلابی وضع موجود را دارند و قادر به پی ریزی جامعه ای بدون استثمار و طبقات اند.

شاهرخ حتی در دشوارترین لحظات، این امید انقلابی زندگی ساز را از یاد نبرد و به همین جهت در مدت بیش از ۴ سالی که تا اجتماعی و سیاسی کارگران، همبستگی با مبارزات - آخر عمر کوتاهش در زندان بود لحظه ای از مبارزه برای حقوق اقتصادی آنان و افشاگری رژیم حاکم دست نکشید. او خشونت و جنایات این رژیم را با قدرت و قاطعیت و رو در روی جلادان خود محکوم کرد. او در درون زندان ها و شکنجه گاه های جمهوری اسلامی در مقابل این رژیم کارگر کش و قداره کشان او ایستاد و کوشید دیدگاه ها و آرمان هایش را حتی با ناچیزترین امکانات، تبلیغ و ترویج کند و به پیش برد

سرمایه داران و رژیم آدمکش حامی آنها باید بدانند که با هیچ سرکوب و جنایتی قادر به خاموش کردن صدای حق طلبانه کارگران و دیگر زحمتکشان نخواهند بود؛ با هیچ دروغ، فریبکاری، خرافه پروری و شسنشوی مغزی؛ با هیچ سانسور، اختناق و تهدیدی قادر به بستن چشم و گوش کارگران و زحمتکشان ایران و جهان نخواهند شد. این کور دلان نمی دانند که به رغم مرگ فیزیکی شاهرخ، یاد رزمندگی و مبارزات او زنده و اثربخش است و چنین خواهد ماند

کارگران آگاه می دانند که طبقه سرمایه دار و رژیم ارتجاعی حامی آن نه تنها هر روز و هر ساعت شیرۀ جان کارگران را در کارخانه ها، کارگاه ها، معدن ها، مزارع و دیگر محیط های کار و فعالیت تولیدی و خدماتی تا آخرین قطره می مکند، بلکه در سرکوب و حتی ریختن خون کارگران هنگامی که با مقاومت طبقاتی روبرو شوند لحظه ای درنگ نمی کنند. نابود کردن فیزیکی شاهرخ زمانی شاهدهی بر این تلاش های جنایتکارانه و در عین حال نافرجام استثمارگران و حامیان آنهاست. اما به رغم این جنایت ها، مقاومت ها و مبارزات کارگران نه تنها نابود نخواهند شد، بلکه عمق و گسترش بیشتری خواهند یافت. این حکم تاریخ است.

ما از همه کارگران، از همه نیروهای انقلابی و مبارز می خواهیم که برای بزرگداشت این رفیق فراموش نشدنی در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران، دست به دست یکدیگر بدهند، با تمام نیرو به افشاگری جنایت های رژیم و روشن کردن جریان مرگ شاهرخ زمانی روی آورند و جنبش اعتراضی و تظاهرات به ضد رژیم اسلامی ضد کارگری و ضد دموکراتیک حاکم بر ایران را بارورتر و نیرومند تر سازند

زنده باد یاد شاهرخ زمانی

مرگ بر رژیم کارگرکش اسلامی

زنده با آزادی، زنده باد سوسیالیسم

جمعی از کمونیست های ایران (آذرخش)

دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۴

**مرگ شاهرخ زمانی لکه ننگ دیگری بر دامن
جمهوری اسلامی**

نگذاریم این صدا خاموش شود!

بنا بر گزارش مقامات زندان رجائی شهر، شاهرخ زمانی، کارگر مبارز و کمونیست، از بنیان گذاران سندیکای کارگران نقاش و عضو کمیته بازسازی این سندیکا که دوران یازده ساله ی زندان خود را در این زندان می گذراند به علت سکتة ی قلبی در گذشته است.

بی گمان، حتی اگر گزارش پزشک بهداری و مقامات زندان درست باشد و شاهرخ زمانی به علت سکتة ی مغزی در گذشته باشد، اما تردیدی نیست که جنایتکاران جمهوری اسلامی با اعمال انواع شکنجه ها و آزار های جسمی و روحی، عدم رسیدگی به مسائل بهداشتی و درمانی زندانیان و فشارهای بیشمار، آنچنان صدمات و ضربات جبران ناپذیری بر سلامت آنان وارد میکنند که آنان را به آرامی به کام مرگ می فرستند، و احتمال سکتة ی مغزی از بار مسئولیت کارگزاران جنایت پیشه و کارگرکش جمهوری اسلامی نخواهد کاست.

آن چه که چنین مرگ هائی را مشکوک می سازد، پیشینه ی اعمال جنایت مقامات امنیتی رژیم است علیه چهره های مبارزی که در طی بیش از سه دهه فرمان روائی جمهوری اسلامی بارها رخ داده است. از قتل عام زندانیان سیاسی در بند در پایان جنگ با عراق، تا تزریق آمپول کشنده به زندانیان و از افشای قتل های زنجیره ای تا تجاوز جنسی به جوانان بازداشت شده در سال هشتاد و هشت و در پیش از این، شاهد مرگهای خاموشی نظیر قتل اکبر محمدی، رضا محسنی، زهرا بنی یعقوب، زهرا کاظمی، امید رضا صیافی، هدی صابر، محسن دکمه چی، افشین اسانلو، ستار بهشتی، علیرضا کرمی خیرآبادی و... بوده ایم.

دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی برای از پای در آوردن چهره های مبارز، به انواع نیرنگ ها و همه ی شیوه های جان فرسا و شکنجه های جسمی و روانی متوسل می شوند و آن گاه که از کاربرد حربه های خود نومید شوند، به آخرین حربه روی خواهند آورد! حربه ی مرگ! شاهرخ زمانی

مبارزی خستگی ناپذیر بود که در زندان و شکنجه گاه های جمهوری اسلامی لحظه ای از مبارزه برای حقوق کارگران، و اعلام همبستگی با آنان، تبلیغ و ترویج آرمان هایش، دست برد نداشت، و با اطمینان خاطر می توان ادعا کرد شاهرخ یکی از همان چهره های درخشانی است که رژیم همه ی حربه هایش را به کار گرفت تا وی را به تسلیم وادارد اما شکست خورد.

آن چه که طی بیش از چهار دهه، به ویژه در چهار سال گذشته، بر شاهرخ زمانی گذشته است تائیدی است بر این ادعا! رفیق شاهرخ، خود در نامه ای به مناسبت مرگ مادرش، شرایط زندگیش را اینگونه ترسیم کرده بود: "منزل ما در تبریز، محل رفت و آمد بزرگانی چون بهروز دهقانی، صمد بهرنگی، غلامحسین ساعدی، چنگیز احمدی، عبدالله افسری و دیگر انقلابیون بود. مادرم در چنین فضایی تمامی محبت و تلاش های قهرمانانه ی خود را فداکارانه صرف کمک به خانواده و سرپا نگه داشتن آن و ادامه ی مسیر انقلابی کرده بود. طعم تلخ بی پناهی در نبود سرپرستان خانواده، عمو و پدرمان در دوران حکومت ستمشاهی از سال ۱۳۵۰ در رابطه با چریک های فدایی خلق ایران شروع شده و سپس در سال ۱۳۵۷ که آن ها با قیام عمومی از زندان آزاد شدند، خانه ی ما به مرکز فعالیت های انقلابی تبدیل شد.

با شروع قتل عام های دهه ی ۶۰ که پدر، عمو، من و خواهر بزرگترم مجبور به ترک خانه شدیم، بار مسئولیت ۳ طفل خردسال در حالی به دوش مادرم افتاد که پاسداران سرمایه هر شب برای دستگیری ما از دیوار بالا رفته، به منزل ریخته و باعث وحشت بچه ها می شدند. به طوری که مادر تمام وسایل خانه را رها کرده و در محله ی طالقانی، یکی از محلات جنوب شهر تبریز، مخفی شد. از آن موقع، این دربه دری و زندان تاکنون ادامه داشته است. مادرم در تمام این سالیان از تلاش برای سامان دادن به خانواده هایی که سرپرست خود را از دست داده بودند، ارتباط با خانواده های زندانیان سیاسی و گروه های

انقلابی، سازمان‌دهی تظاهرات هزاران نفری همراه خانواده‌های دیگر زندانیان سیاسی و دانش‌جویان انقلابی علیه زندان، اعدام و شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی در دوران ستم‌شاهی که در یک مورد منجر به دستگیری ۷۰ نفر از آنان در تبریز شد، تا مصاحبه‌ها با رسانه‌ها برای افشاگری جنایات جمهوری اسلامی ایثارگرانه تلاش نمود. به خصوص زمانی که مرا به زندان قزلحصار تبعید کردند، در نزدیک به ۵۰ روز اعتصاب غذای من روزی نبود که رسانه‌ای مصاحبه نکرده و جنایات رژیم سرمایه‌داری را افشا نکند." او اضافه کرده بود: در تمامی این سال‌های نکبت، خفقان و استبداد سرمایه‌داری که از ارتباط با نیروهای آگاه و کارگران پیش‌تاز از طیف‌های گوناگون در رابطه با بحث و آموزش، مخفی کردن مبارزه تا دستگیری پدر و عمویم و خود من در سال‌های ۵۰، ۵۲، ۶۰، ۷۲ و ۹۰، نگهداری بچه‌ها و خانواده و ملاقات در زندان، سر و کله زدن با مزدوران و شکنجه‌گران و آدم‌کشان شاه و شیخ، مادرم لحظه‌ای آرام و قرار نداشت.

رفقای کبیر شهید چنگیز احمدی و عبدالله افسری وی را در اوایل انقلاب نمونه‌ی مادر ماکسیم گورکی می‌دانستند. شهید چنگیز احمدی می‌گفت: «زری خیال نکن که اداره کردن روزی ۵۰ - ۶۰ نفر که به این خانه رفت و آمد می‌کنند کار ساده‌ای است. شما هم معادل ۳ کادر کمونیست کار می‌کنی. بدان که طبقه‌ی کارگر و آیندگان در فردای صبح رهایی از ستم و نابرابری، این ایثار و فداکاری شما را از یاد نخواهند برد. وی با این‌که همه‌ی این فشارهای روحی و جسمی وی را تکیده کرده و انرژی‌اش را تحلیل برده بود، در روزهای آخر عمرش به همه سپرده بود که من در زندان خیردار نشوم که وی مریض است و برایم پیغام فرستاده بود که «به زودی تهران می‌آیم و زمین و زمان را بر سرشان خراب خواهم کرد. هر طور شده برای تو مرخصی خواهم گرفت. وگرنه کل دنیا باید بفهمند که حکومت ضدکارگری چقدر ضدبشر است و با افراد بی‌گناه چه می‌کند. بله! وی تا

آخرین لحظه‌ی عمرش به قول رفقا مثل مادر ماکسیم گورکی بود و من به او افتخار می‌کنم".

باید اضافه کنیم که رفیق شاهرخ زمانی، که ابتدا عضو تشکیلات تبریز و سپس از اعضای یکی از کمیته‌های کارگری سازمان ما در تهران بود تا پایانه دهه ۶۰ که سازمان به دلایل امنیتی، ارتباطات تشکیلاتی خود با کمیته‌ها و شبکه‌های داخل کشور را قطع کرد، در ارتباط سازمانی قرار داشت. پس از قطع این ارتباطات تشکیلاتی، وی بصورت مستقل و به عنوان فعال مستقل کارگری مبارزه انقلابی‌اش را پی گرفت. شاهرخ هرگز در تمام این دوران، چه در زندان و چه در آزادی دست از فعالیت کارگری و سوسیالیستی، دست از مبارزه برای آزادی و برابری و سازمان دادن همبستگی نیروی کار و زحمت نکشید. او به سمبل و نماد مبارزه برای حق تشکل مستقل کارگران ایران تبدیل شد. سمبلی که نیروی جوان آزادیخواه و برابری طلب، استواری و دلاوری و مهربانی شاهرخ و شاهرخ‌ها را بر پرچم رهایی مردمان حک خواهند کرد.

رفیق شاهرخ بارها بخاطر فعالیتهای سندیکایی و کارگری بازداشت شده بود. وی در سال هفتاد و دو بازداشت و هیجده ماه در زندان ماند. بار دیگر در خردادماه سال نود، به جرم اقدام علیه امنیت جمهوری اسلامی و تشکیل گروه براندازی، پس از سی و شش روز در سلول انفرادی به یازده سال حبس محکوم می‌شود. در مهرماه همان سال با سپردن وثیقه‌ی دویست و دو میلیون تومانی از زندان رها می‌شود اما سه ماه دیرتر همراه محمد جراحی در محل کارش بازداشت و پس از انتقال به زندان تبریز یک ماه در قرنطینه می‌ماند. حال آن که با تأیید حبس قطعی می‌بایستی به بند قطعی‌ها انتقال می‌یافت. در هفتم خرداد ماه سال نود و یک، حتی بدون حکم قاضی صادر کننده‌ی محکومیت یازده ساله مجازات زندان، با دست بند و پابند به یزد انتقال می‌یابد که پس از یک اعتصاب غذای طولانی مسئولان زندان وی را به زندان تبریز بر می‌گردانند و از آن جا به

زندان رجائی شهر می فرستند. از زندان رجائی شهر به زندان قزل حصار و بند معتادان متادونی انتقال می یابد و شاهرخ، یک بار دیگر دست به اعتصاب غذای طولانی میزند تا از بند متادون به زندان رجائی شهر بر گردانند.

با وجود این که بر اساس قوانین ارتجاعی ناظر بر اداره ی زندان های جمهوری اسلامی، زندانی از حق مرخصی سالانه برخوردار است، وی را در چهار سال گذشته از این ابتدائی ترین حقوق زندانی هم محروم داشته اند، نه برای شرکت در مراسم ازدواج دخترش و نه برای شرکت در مراسم خاک سپاری مادرش به وی اجازه ی مرخصی ندادند.

مرگ شاهرخ زمانی نشان می دهد که جان زندانیان سیاسی، به ویژه رهبران و فعالان تشکل های کارگری و معلمان سخت در خطر است. واقعیت این است که آزارها و شکنجه های روحی و جسمی، نداشتن امکانات دارویی و بهداشتی، ممانعت از مداوای زندانیان بیمار، سازمان دادن اراذل و اوباش و تبهکاران برای حمله به زندانیان و... شرایط دشوار زندان را وحشتناک تر و فشار همه جانبه ای بر زندانیان مبارز و دگر اندیش وارد میکند و عامل مرگ های دردناک و دل خراشی در زندانهای ایران شده است.

ما ضمن محکوم کردن مرگ شاهرخ زمانی در زندان قرون وسطائی رژیم اسلامی از همه نهادها و سازمانهای کارگری، انساندوست و ترقیخواه میخواستیم که جمهوری اسلامی را همه جانبه زیر فشار بگذارند. مرگ رفیق شاهرخ زمانی، اولین مرگ خاموش در زندانهای رژیم اسلامی نیست، اینک دهها و صدها زندانی سیاسی در زندانهای ایران در سراسر کشور زندانی اند. نباید گذاشت این روند کشتار در سکوت و خاموشی در زندانهای ایران ادامه یابد. نباید اجازه داد رژیم به بهای سازش با قدرت های امپریالیستی بر سر مساله ی غنی سازی اورانیوم از زندانیان سیاسی دگر اندیش و مبارزان طبقاتی انتقام بگیرد. باید کارزاری سراسری و بین المللی برای آزادی

فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ، برای
توقف همه احکام جنایتکارانه علیه زندانیان سیاسی ، برای
محاكمه همه آمران و عاملان جنایات سیاسی در ایران سازمان
داد. نباید این جنایت را بی پاسخ گذاشت!

زنده باد یاد و خاطره جاودان رفیق شاهرخ زمانی و همه جانباختگان راه آزادی و

سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

24 شهریور 1394



: (سازمان فداییان) اقلیت

برطبق خبری که امروز یکشنبه ۲۲ شهریور ماه، خبرگزاری هرانا انتشار داد،
شاهرخ زمانی، فعال کارگری اسیر در زندان‌های جمهوری اسلامی، در زندان رجائی
شهر در گذشت

شاهرخ زمانی که از فعالین کارگری، عضو هیات مدیره کمیته پیگیری برای ایجاد
تشکل‌های مستقل کارگری و هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاش بود،
آخرین بار در خردادماه ۱۳۹۰ توسط رژیم ارتجاعی و ضدکارگری جمهوری اسلامی
دستگیر و در بیدادگاه ضدانقلابی اسلامی تبریز به اتهام تشکیل گروه و تبلیغ علیه نظام
به ۱۱ سال حبس محکوم شد

رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در زندان نیز به طرق مختلف این فعال کارگری
را مورد اذیت و آزار قرار داد. نگهداری در سلول انفرادی، انتقال به بند معتادان،
تبعید به زندان یزد ، قزلحصار و بالاخره رجائی شهر از نمونه تلاش های رژیم برای
در هم شکستن مقاومت و روحیه مبارزه جوئی این فعال کارگری بود. رژیم کارگر
ستیز به این مدافع حقوق و منافع کارگران حتا مرخصی به هنگام برگزاری مراسم
مرگ مادر مبارزش و عروسی دخترش را نیز نداد. اما هیچیک از اقدامات
سرکوبگرانه رژیم نتوانست خللی در عزم و اراده استوار وی به مقاومت در دفاع از
منافع کارگران، پدید آورد. در متجاوز از پنج سالی که در زندان بود، همچنان با
موضعی رادیکال به مبارزه خود ادامه داد

خبرگزاری هرانا علت مرگ شاهرخ زمانی را بنا “به تشخیص اولیه بهداری زندان”
سکته مغزی اعلام نموده‌است. اما اگر این ادعای بهداری زندان هم صحت داشته باشد،

علت مرگ این رفیق کمونیست و فعال کارگری، آزار و اذیت و فشارهای متعددی است که در طول این پنج سال رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بر او اعمال کرده است. بنابراین عامل و مسبب مرگ شاهرخ زمانی، جمهوری اسلامی است سازمان فدائیان(اقلیت) مرگ این فعال کارگری مبارز را به کارگران ایران و خانواده وی تسلیت می‌گوید

یادش گرامی و راه و آرمانهایش پر رهرو باد
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی
نابود باد نظام سرمایه‌داری
زنده‌باد آزادی – زنده‌باد سوسیالیسم
(سازمان فداییان) اقلیت

شهریور ۱۳۹۴ ۲۲

مرگ شاهرخ زمانی در زندان، افشاگر چهره سیاه رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی ست! ه
<http://www.siahkal.com/index/right-col/etelaeeieh-Shahrokh-Zamani-Sep-2015.pdf>

مرگ شاهرخ زمانی در زندان، افشاگر چهره سیاه رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی ست!

مطابق گزارشات منتشر شده ، روز یکشنبه 13 سپتامبر 2015 ، کارگر زندانی شاهرخ زمانی، در زندان رجایی شهر درگذشت. شاهرخ زمانی، یک فعال کارگری بود که به دلیل فعالیت های صنفی و پیگیری مطالبات کارگری در سال 1390 در شهر تبریز دستگیر و در بیدادگاه های جمهوری اسلامی به 11 سال زندان محکوم شده بود. علت مرگ این کارگر زندانی از سوی زندانبانان "سکنه مغزی" اعلام شده، اما کیست که نداند که در زندان های جمهوری اسلامی چنان شرایط غیر انسانی حاکم است که زندانی را با انواع فشارهای جسمی و روحی تحمل ناپذیر مواجه ساخته، سلامتی او را بی انقطاع به تحلیل برده و به تدریج او را در سرانسیب مرگ قرار می دهد. زندانیان در این زندان ها نه فقط از فقدان غذای سالم و نبود شرایط بهداشتی در رنجند بلکه باتوجه به فشارهای روحی وارد شده از طرف زندانبانان و به طور کلی شرایط نابسامانی که در آن قرار داده شده اند گرفتار بیماری های مختلفی می گردند؛ و این در شرایطی است که امکانات درمانی و پزشکی نیز به طور مکفی در اختیار آن ها قرار ندارد. به این نکته هم باید اشاره کرد که در سال های اخیر نوشته ها و مواضعی منتشر می شدند که به شاهرخ زمانی نسبت داده شده و ادعا می شد که وی آن ها را از زندان به بیرون فرستاده است و بر این اساس برخی مرگ او را مشکوک اعلام می کنند. اما صرف نظر از این که علت مرگ او واقعاً چه بود ، برای تمام توده های مبارزی که بر سابقه سیاه و ماهیت ضد خلقی رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی آگاهند، روشن است که در وضعیت کنونی مرگ یک زندانی در زندان، قبل از هر چیز حاصل شرایط وحشتناکی ست که در سیاه چال های این رژیم برقرار است و مرگ ناحق شاهرخ زمانی نیز در زندان بیش از هر چیز افشاگر چهره سیاه رژیم جمهوری اسلامی می باشد.

مرگ شاهرخ زمانی نه اولین مرگ در سیاه چال های رژیم است و نه مسلماً آخرین آن ها خواهد بود. به یاد آوریم که امروز صدها کارگر گمنام صرفاً به خاطر اعتراض به ظلم و ستم بی حد و حصری که سرمایه داران تحت حمایت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بر آن ها اعمال می کنند در زندان به سر می برند. این ها کارگران مبارز ولی گمنامی هستند که نامشان در هیچ نشریه ای ذکر نمی شود، کارگران گمنام زندانی که به خصوص از زمان روی کار آمدن دولت ریاکار روحانی هر روز بر تعدادشان در زندان ها افزوده می شود. جای تردید نیست که این وظیفه همه مدافعین راستین طبقه کارگر است که به دفاع از همه این کارگران که روح و جسم شان در سیاه چال های رژیم به تدریج از بین می رود بر خیزند و به طور کلی دفاع از کارگر زندانی را یکی از وظایف انقلابی مهم خود به حساب آورند.

ما مرگ شاهرخ زمانی را به خانواده و بازماندگان وی تسلیت گفته و بار دیگر بر این خواست عمیق و قلبی کارگران و خلق های تحت ستم ایران تاکید می ورزیم:

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم و کارگر ستیز جمهوری اسلامی!

زنده باد انقلاب، زنده باد کمونیسم!

چریکهای فدایی خلق ایران

23 شهریور 1394 - 14 سپتامبر 2015
